

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۲۵

جمعه ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ - ۱۸ ژوئن ۲۰۲۱



از انتخابات تا بایکوت

حمید تقوایی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

خلیل کیوان: از یک سو در فضای انتخاباتی جامعه با خواست سرنگونی به میدان آمده است و از سوی دیگر همه میدانند آیت الله قاتل رئیس جمهور بعدی خواهد بود. این وضعیت به کجا خواهد انجامید؟ دوره رئیسی چه تفاوتی با دوره های گذشته دارد؟ رابطه جناح های حکومتی چه شکلی بخود خواهد گرفت، موقعیت نیروهای اپوزیسیون چه خواهد بود و آنها چه تاثیری میتوانند بر روند اوضاع بعد از انتخابات داشته باشند؟ این پرسشها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری طی هفته ها و روزهای گذشته جنبش سرنگونی گام های بلندی به پیش برداشت. مخالفت ها گسترده تر شد، انتقادات تندتر شد. سرنگونی طلبی در همه جا موج میزند. جو حاکم مملو از ابراز انزجار شدید و کم نظیر از حکومت است. به نظر شما آیا این موج اعتراضی بعد از انتخابات فروکش خواهد کرد و یا گسترده تر خواهد شد؟

حمید تقوایی: به نظر من این موج گسترده تر خواهد شد. ممکن است بعد از انتخابات برای مدت کوتاهی آن شور و هیجانی که امروز شاهد هستیم ادامه پیدا نکند ولی در یک

”من حقوق شهروندی ندارم، رای نمی دهم!“
فریاد دادخواهی نرنان ایران امر تربونهای آنراد
نه به فقر، بیکاری، تحقیر و تبعیض

شماره صفحه:	در این شماره انترناسیونال:
۱، ۲، ۳، ۴ و ۵	از انتخابات تا بایکوت. حمید تقوایی
۶ و ۷	اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۷ و ۸	کارگران نیشکر هفت تپه به توطئه انتخاباتی رئیسی پاسخ می دهند.
۸	شهلا دانشفر
۸	هفت تپه و انتخابات. حمید تقوایی
۹ و ۱۰	اندیشه و سیاست: کمونیسم و مذهب. کاظم نیکخواه
۱۱	از مدیای اجتماعی حزب
۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵	اطلاعیه های حزب

سه شنبه، ۱ تیر، ۲۲ ژوئن،

ضمیمه انترناسیونال ۹۲۵ منتشر می شود

ویژه پلنوم ۵۳ کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱

ندارم و فکر میکنم دوران بحرانهای عمیق تر سیاسی و اجتماعی حکومت فرا رسیده است و در دور آتی جامعه با شور و پیگیری و نه عمیقتری علیه کل حکومت خواهد ایستاد.

خلیل کیوان: تاثیر این انتخابات و ریاست جمهوری رئیسی در جهت گیری و سیاستهای رژیم چه خواهد بود؟ از نظر اقتصادی، رابطه با غرب، رابطه جناح ها با هم - منظوم کشمکشها جناح ها است که در دوره انتخابات اوج گرفت - وضعیت چه خواهد بود؟ آیا حکومت یکپارچه میشود و یا بهم ریخته تر خواهد شد؟

حمید تقوایی: صفوف حکومت به هم ریخته تر میشود چون مساله اصلی حکومت رابطه جناحها با هم نیست، بلکه رابطه کل حکومت با مردم است. اختلافات جناح ها هم از اینجا ناشی میشود. هر چه مردم زمین را زیر پای اینها بیشتر داغ کنند، جناحها بیشتر بجان یکدیگر خواهند افتاد. این را در تجربه دیده ایم. در جریان همین انتخابات دیدیم باندهای حکومتی تلاش میکنند تقصیرها را به گردن یکدیگر بی اندازند و حتی نزدیکترین و خودی ترین مهره های رژیم انتخابات را انتصابات مینامند و میگویند نتیجه از پیش معلوم است، چیزی از جمهوریت باقی نمانده است و گفتمان هایی از این قبیل. حتی خودی ترین خودی های رژیم که از فیلتر شورای نگهبان رد نشده اند زبانشان دراز شده و اعتراضات و انتقاداتی مطرح میکنند که دیگر گله و شکایت نیست بلکه مشروعیت کل نظام را بر زیر سؤال میبرد. مطمئن باشید بعد از انتخابات هم این دعوای و کشمکشها ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین تا آنجا که به جناحها مربوط میشود نه تنها چشم انداز یکپارچه شدن حکومت وجود ندارد بلکه برعکس صفوف حکومت به هم ریخته تر میشود.

از نظر اقتصادی هم که بخش



” صفوف حکومت به هم ریخته تر میشود چون مساله اصلی حکومت رابطه جناحها با هم نیست، بلکه رابطه کل حکومت با مردم است. اختلافات جناح ها هم از اینجا ناشی میشود. هر چه مردم زمین را زیر پای اینها بیشتر داغ کنند، جناحها بیشتر بجان یکدیگر خواهند افتاد.“

اعلام کنند جمهوری اسلامی را نمی خواهند. اما همانطور که اشاره کردم همین اعلام خیابانی سرنگونی از جانب مردم عادی در خیابانها، فضای اعتراضی در جامعه را کلا تغییر خواهد داد و بزیر کشیدن رژیم را به محور و مضمون اصلی اعتراضات تبدیل خواهد کرد.

تا آنجا که به سیاست سرکوب علی العموم مربوط میشود این همیشه در دستور کار هر دو جناح بوده است. چه در دوره رفسنجانی و خاتمی و چه احمدی نژاد و روحانی اعدام و سرکوب و بگیر و ببند همیشه جاری بوده است. امروز هم سؤال این نیست که آیا حکومت سرکوب خواهد کرد یا خیر. سؤال اینست که آیا این سرکوبگری ها میتواند جامعه را مرعوب کند، جامعه را مختنق کند، و مردم را به خانه بفرستد؟ پاسخ به روشنی منفی است. رژیم تا آنجا که توانسته است از بگیر و ببند و سرکوب مضایقه نکرده ولی با این حال مبینیم جامعه نه تنها آرام نگرفته بلکه هر روز اعتراضات وسیع تر شده است. در همین اوج بگیر و ببند ها است که مردم در خیابانها و در مدیای اجتماعی و در کلیها علنا و صریحا هر چه میخواهند علیه حکومت و مقاماتش میگویند. این حرکت علیرغم سرکوبها ادامه پیدا خواهد کرد.

بنابراین جواب من بطور خلاصه به سؤال شما این است که حکومت به سرکوب و سیاست بگیر و ببند ادامه میدهد چون چاره ای ندارد و غیر از این نمیتواند خودش را در قدرت نگهدارد، ولی این تلاشها باعث نمیشود مردم ساکت بشوند و فریاد اعتراضشان را بلند نکنند کما اینکه تا کنون چنین نتیجه ای نداشته است. به ویژه با توجه به اینکه یک قاتل رسوا که مستقیما مسئول اعدام هزاران نفر بوده است را رئیس جمهور میکنند و در شرایطی که فی الحال جنبش دادخواهی با یک پرونده قطور علیه او بمیدان آمده است میتوان گفت مبارزات مردم تعرضی تر خواهد شد و

ادامه در صفحه ۳

دوره پیش رو شاهد تعرض بیشتر رژیم به مردم خواهیم بود و یا برعکس شاهد تضعیف بیشتر حکومت در مقابل مردم؟

حمید تقوایی: حکومت معمولا قبل از انتخاباتها فشارها و سختگیریها را کمتر میکند که به بازار انتخاباتی اش رونقی بدهد. روشن است که بعد از انتخابات از این نظر شرایط سخت تر خواهد شد و دیگر مثلا برگزاری میتینگها و تریبونهای آزاد خیابانی امکان نخواهد داشت. این روشن است. مردم هم این را میدانند و به همین خاطر از فضای موجود بیشترین استفاده را میکنند تا نفرت و انزجار خود را از حکومت بیان کنند و

اقتصادی حتی اگر به نوعی توافق با غرب هم برسند. فی الحال مردم با گرانی های و تورم سرسام آور و بیکاری و فقر و شرایط معیشتی غیر قابل تحمل روبرو هستند و این مشکلات همچنان آن منشا و محوری خواهد بود که اعتصابات کارگری و مبارزات توده ای حولش ادامه خواهد یافت و وسیع تر خواهد شد. از نظر اقتصادی و شرایط معیشتی هم به نظر من چشم اندازی در برابر حکومت قرار ندارد.

خلیل کیوان: بعد از انتخاب آیت الله قاتل چه تصویری از رابطه مردم با رژیم میتوان داشت؟ آیا سرکوبها و بگیر و ببندها بیشتر میشود؟ آیا در

دیگر سؤال شما بود حکومت راه برون رفتی ندارد. حکومت با یک بحران مزمن و باید گفت بن بست و فروپاشی اقتصادی روبروست. دارند تلاش میکنند به نحوی با احیای برجام تخفیفی در این بحران بدهند ولی این هم مشکلی از حکومت حل نخواهد کرد. بخصوص باید توجه داشت که خطی که الان در حکومت دست بالا دارد و بعد از این انتخابات علاوه بر سپاه و بسیج و مجلس و قوه قضائیه، کاملا بر دولت هم مسلط خواهد شد، اساسا با مرگ با آمریکا و غرب ستیزی خود را معرفی کرده است و با این پرچم میخواهد حکومت را سرپا نگه دارد که این خود یعنی انزوای بیشتر اقتصادی و تشدید بحران و بی افقی

ادامه از صفحه ۲



همه مردم میدانند که سرنگونی یعنی اعدام نباشد، قصاص نباشد، مذهب در حکومت نباشد و سایه سیاهش از دولت و آموزش و پرورش و قوانین جامعه جمع شود، اینها همه جزو معانی و تعابیری است که مردم از سرنگونی دارند. مثلا جنبش دادخواهی خواهان نه تنها سرنگونی بلکه محاکمه مقامات حکومت است. اینها پیشرویهای جنبش سرنگونی است. باید این پیشرویهها تا سطح یک تصویر روشن و شفاف و عمیق و ریشه ای از شعار سرنگونی در جامعه اشاعه پیدا کند و این کار احزاب انقلابی ای نظیر حزب ما است. باید تصویر و انتظار و توقع جامعه از نه به جمهوری اسلامی را ارتقا داد تا نیروهای سازشکار و ضدانقلاب نتوانند در نیمه راه مردم را متوقف کنند و با کمترین تغییری اعلام پیروزی کنند و مردم را به خانه بفرستند. در میان نیروهای اپوزیسیون نیز ابتدا باید بر سر مضمون رادیکال و ریشه ای و جامع سرنگونی حکومت به توافق رسید تا بتوان قدمهای بعدی را تعریف کرد.



سرنگونی یعنی اعدام نباشد، قصاص نباشد، مذهب در حکومت نباشد و سایه سیاهش از دولت و آموزش و پرورش و قوانین جامعه جمع شود، اینها همه جزو معانی و تعابیری است که مردم از سرنگونی دارند. مثلا جنبش دادخواهی خواهان نه تنها سرنگونی بلکه محاکمه مقامات حکومت است. اینها پیشرویههای جنبش سرنگونی است. باید این پیشرویهها تا سطح یک تصویر روشن و شفاف و عمیق و ریشه ای از شعار سرنگونی در جامعه اشاعه پیدا کند و این کار احزاب انقلابی ای نظیر حزب ما است. باید تصویر و انتظار و توقع جامعه از نه به جمهوری اسلامی را ارتقا داد تا نیروهای سازشکار و ضدانقلاب نتوانند در نیمه راه مردم را متوقف کنند و با کمترین تغییری اعلام پیروزی کنند و مردم را به خانه

آن رضایت نمیدهد. اینها همه تاثیر مثبتی بر اشاعه سرنگونی طلبی در میان اپوزیسیون داشته است. اما آیا این امر به معنی اینست که همه نیروهای اپوزیسیون بر سر این نقطه توافق می توانند گرد هم جمع بشوند و ائتلاف کنند یا متحد بشوند؟ به نظر من اینطور نیست. امروز بحث هم در جامعه، و هم در نتیجه در میان نیروهای اپوزیسیون، بر سر مضمون و معنی سرنگونی است. سؤال اینست که نه به جمهوری اسلامی یعنی نه به چه؟ نه به ولی فقیه؟ نه به دولت؟ نه به قانون اساسی؟ و یا نه به کل این نظام، نه به دولت مافوق مردم، نه به کل دستگاه بوروکراسی، نه به زندان و سرکوب و سپاه و بسیج و کل نیروهای مسلح حرفه ای، نه

بخشهای جدیدی از جامعه به صف اعتراض خواهند پیوست. از این نقطه نظر نیز حکومت تضعیف خواهد شد.

خلیل کیوان: اجازه بدهید به اپوزیسیون بپردازیم. دیدیم که راه حلهای سازشکارانه استحاله و رفراندوم و رژیم پنج و غیره کنار زده شده است. به نظر میرسد تعرض خیابان نیروهای بیشتری از اپوزیسیون را هم به طرف سرنگونی طلبی رانده است. آیا به نظر شما این وضعیت شرایط را برای اتحاد و یا لاقط همکاریهای بیشتر نیروهای اپوزیسیون فراهم نمیکند؟ میدانید همیشه این نقد مطرح بوده است که مشکل اپوزیسیون پراکندگی است و بسیاری معتقدند سرنگونی جمهوری اسلامی در گرو اتحاد نیروهای اپوزیسیون است. آیا امروز این اتحاد حول سرنگونی نمی تواند شکل بگیرد؟

حمید تقوائی: به نظر من اینکه نیروهای اپوزیسیون بیشتری به سرنگونی طلبی روی آورده اند و اعلام میکنند جمهوری اسلامی باید برود تحول مثبتی است. همانطور که اشاره کردید قبلا اینطور نبود. قبلا بخشی از این نیروها به جنبش سبز و یا بنفش دخیل می بستند، و فکر میکردند با این شیوه میتوان تغییری ایجاد کرد. اپوزیسیون راست حتی از اسم سرنگونی احتراز میکرد، از رژیم پنج و انحلال و براندازی صحبت میکرد و از رفراندوم و تغییر قانون اساسی و نافرمانی مدنی فراتر نمیرفت. امروز خوشبختانه سرنگونی به گفتمان غالب تبدیل شده و اکثر قریب به اتفاق نیروهای اپوزیسیون اعلام میکنند این حکومت اصلاح پذیر نیست و باید برود. این تاثیر مبارزات توده ای و خیابانی است، تاثیر خیزش های توده ای ۹۶ و ۹۸ است، تاثیر اعتصابات گسترده کارگری است، تاثیر جنبش دادخواهی، مادران آبان و خانواده های جانبازان شلیک به هواپیما است که چنین با قدرت به میدان آمده است و به چیزی کمتر از سرنگونی رژیم و محاکمه سران

امروز برای پیشروی و پیروزی جنبش سرنگونی و انقلاب در ایران باید دست به اقدامات عملی معینی زد. یکی از مهمترین این اقدامات تلاش برای بایکوت جمهوری اسلامی در سطح جهانی است. مردم ایران بپاخاسته اند و در خیابانها و در مدیای اجتماعی با اسم و رسم و علنا اعلام میکنند رای من سرنگونی است. ما باید این خواست و شعار را خطاب به جامعه جهانی نمایندگی کنیم و به نهادهای بین المللی مثل سازمان ملل و سازمان جهانی کار و دولتها اعلام کنیم که این حکومت قاتل مردم ایران است و نه نماینده مردم ایران و به همین دلیل باید در سطح جهانی برسمیت شناخته نشود و طرد بشود.

یک حزب سرنگونی طلب که در تمام دوران فعالیت خود و مدتها قبل از اینکه این شعار خیابانی بشود پرچم سرنگونی را بلند کرده ایم و همیشه گفته ایم تنها راه، بزیر کشیدن حکومت به قدرت انقلاب مردم است و نه به بالائی ها باید امید بست، نه به استحاله و نه به رژیم چنج و طرح هایی مثل فراندوم و تغییر قانون اساسی و غیره و غیره، و با این گفتمان در مبارزات جاری مردم و جنبشهای اعتراضی فعالانه شرکت کرده ایم، طبعاً فکر میکنیم هر نیروی اپوزیسیون باید همینطور فعالیت کند. فعالیت و دخالتگری بویژه بسیار تعیین کننده است. مساله از اینکه چه خط و تحلیل و موضعی داریم و حتی چه شعاری مطرح میکنیم و چه اهدافی داریم فراتر می رود. یک

او (سازمان جهانی کار) اخراج بشود و به جشنواره های هنری و مسابقات بین المللی راه داده نشود. در این روند میتوان دولتها را هم به این سمت سوق داد. این امر کاملاً امکان پذیر است.

خلیل کیوان: برخی با این سیاست موافقت ولی میگویند این مشروط بر این است که یک تشکل فراگیر ایجاد بشود. به تجربه آفریقای جنوبی رجوع میکنند و میگویند باید جبهه متحدی مثل کنگره ملی آفریقا (ای ان سی) وجود داشته باشد تا این سیاست موفق بشود و از اینجا باز به ضرورت اتحاد نیروهای اپوزیسیون حول این مساله میرسند. نظر شما چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من حول این مساله قبل از هر چیز اتحاد عمل، یعنی اقدام مشترک، ممکن و ضروری است. ای ان سی هم که در جریان بایکوت رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی تشکیل شد این مراحل را پشت سر گذاشته بود. اینطور نیست که اگر نیروهای اپوزیسیون دور هم جمع شوند و چیزی شبیه کنگره ملی آفریقا اعلام کنند دولتها قانع خواهند شد که باید جمهوری اسلامی را

مثلاً در جریان اعتراض به حکم اعدام نوید افکاری نه تنها نیروهای مترقی و توده مردم در یک ترند و طوفان توییتری میلیاردری جهانی به این حرکت پیوستند بلکه دولتها و روسای کشورها هم علیه جمهوری اسلامی موضع گرفتند. چهل و چند دولت غربی در بیانیه مشترکی جمهوری اسلامی را به این دلیل و بخاطر نقض حقوق بشر محکوم کردند. قبل از آن امنستی با لحنی رادیکال تر و قاطع تر از همیشه جمهوری اسلامی را به عنوان ویرانگر انسانیست به چالش کشید. اخیراً دادگاهی در کانادا، دادگاه عالی ایالت انتاریو، شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی را اقدامی تروریستی و عامدانه نامید و به این خاطر خامنه ای و سران سپاه را با اسم و رسم محکوم کرد. این تحولات تازه است و مثلاً سه سال قبل شاهد این نوع موضع گیری ها علیه حکومت اسلامی نبودیم. دنیا دارد به این طرف می آید.

بر چنین زمینه ای است که من فکر میکنم میشود با اعمال فشار از پائین و با قدرت افکار عمومی مردم شریف دنیا و حتی نهادهائی مثل دادگاه عالی انتاریو و یا عفو بین الملل کاری کرد که جمهوری اسلامی ابتدا از نهاد هایی مثل آی ال

خلیل کیوان: برخی میگویند دولتهای غربی پای بایکوت نخواهند آمد چون منافعشان اقتصاداً نمیکند. بعضی از گروههای چپ هم استدلال میکنند که این دولتها مدافع سرمایه داری هستند و خواستها و مبارزات مردم ایران برایشان اهمیتی ندارد. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: طبعاً دولتها را اگر به حال خودشان بگذارید پای سیاست بایکوت نخواهند آمد. سؤال اینست که آیا می توانیم آنها را تحت فشار قرار بدهیم و وادار کنیم؟ آیا میشود نیروهای مترقی و آزادیخواه و سکولار و چپ در خارج کشور و حتی احزاب متشکلی که علیه جمهوری اسلامی هستند و همچنین افکار عمومی مردم در کشورهای غربی را علیه جمهوری اسلامی بسیج کرد و به میدان آورد؟ و از این طریق نهادهای بین المللی و دولتها را تحت فشار قرار داد که جمهوری اسلامی را طرد کنند؟ به نظر من این امکان پذیر است. باید توجه داشت که قضیه سیاه و سفید نیست. یعنی یا همه دولتها رابطه خود را با جمهوری اسلامی قطع میکنند و یا همه با آن مماشات میکنند. دیدیم که اینطور نیست. در یکی دو سال اخیر روندی شروع شده است که

و انقلاب در ایران باید دست به اقدامات عملی معینی زد. یکی از مهمترین این اقدامات تلاش برای بایکوت جمهوری اسلامی در سطح جهانی است. مردم ایران بپاخاسته اند و در خیابانها و در مدیای اجتماعی با اسم و رسم و علنا اعلام میکنند رای من سرنگونی است. ما باید این خواست و شعار را خطاب به جامعه جهانی نمایندگی کنیم و به نهادهای بین المللی مثل سازمان ملل و سازمان جهانی کار و دولتها اعلام کنیم که این حکومت قاتل مردم ایران است و نه نماینده مردم ایران و به همین دلیل باید در سطح جهانی برسمیت شناخته نشود و طرد بشود. باید سفارتخانه های آن را بست و در مجامع بین المللی راهش نداد. نه تنها از نظر سیاسی بلکه از لحاظ هنری و ورزشی هم نباید اجازه داد جمهوری اسلامی در مناسبتها و گردهمائی های مثل المپیک و جشنواره های فیلم و نمایشگاه کتاب و نظایر آن حضور بهم برساند. این به نظر من اقدام معینی است که بر فضای عمومی سیاسی و حرکت مردم در جهت سرنگونی تأثیرات زیادی خواهد داشت. فراخوان من به همه نیروهای اپوزیسیون این است که به کارزار بایکوت جمهوری اسلامی بپیوندند.

حزب سیاسی از یک محفل آکادمیک و یا تحقیقاتی و ژورنالیستی و جمع مفسرین تحولات و بررسی وقایع بعد از وقوع اساساً متفاوت است. حزب سیاسی خود نیروی شکل دهنده به تحولات است و تمام امکاناتش را به کار میگیرد تا خط و افقش، مواضع و تحلیل ها و شعارها و اهدافش، به نیروی اجتماعی دخیل در تحولات تبدیل بشود و جامعه ایران رو به جلو آمده است بر مبنای تحلیل و تبیینی که احزاب چپ رادیکال از جمله حزب ما مطرح کرده است. ولی نه به این معنی که ما فقط حرف زده ایم و مردم عمل کرده اند. خود حزب ما دست اندر کار بوده است. در جنبشهای مختلف از مبارزه علیه اعدام بگیرید تا مبارزه برای بالا بردن سطح دستمزدها، برای حق تشکل کارگران، تا مبارزه برای درهم شکستن آپارتاید جنسی و تبعیضات فاحش علیه زنان و غیره و غیره. ما نه تنها یک افق و چشم انداز را جلوی جامعه میگذاریم بلکه وظیفه داریم با دخالت گری فعال و پیگیر جامعه را به آن سمت سوق بدهیم، هدایت کنیم، متشکل کنیم و به میدان بیاوریم.

به نظر من امروز برای پیشروی و پیروزی جنبش سرنگونی

و سیاسی و اجتماعی حکومت ایجاد شده است، بر متن فروپاشی اقتصادی، و شکستها و ناکامی های پیاپی حکومت در منطقه و رسوائی جهانی او از جمله بخاطر شلیک به هواپیما و شلیک به مردم معترض در آبان ماه و غیره و غیره. اینها همه نشانه های یک روند و تحولی در جامعه است که روز بروز به نفع قدرت بیشتر مردم و تضعیف بیشتر حکومت در حال تغییر است. ما شاهد روند انسجام و قدرقدرتی بیشتر حکومت نیستیم، آنطور که مثلا بعد از کودتای ۲۸ مرداد اتفاق افتاد. و یا شریایلی که بعد از کودتای پینوشه در شیلی پیش آمد. البته حکومت خیلی تلاش کرد این شرایط را ایجاد کند اما نتوانست، مردم اجازه ندادند. هر روز ضعیف تر شدند و امروز مثل عقرب در محاصره آتش دارند به خودشان نیش میزنند. بنابراین بهیچوجه با درجا زدن و یا یک دور باطل روبرو نیستیم. به نظر من صف اعتراض و صف انقلاب برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی هرچه گسترده تر و عمیق تر شده و متحدتر و تعرضی تر شده و حزب ما که در این روند نقش داشته است، بیش از پیش خواهد کوشید که این صف متحد تر و قدرتمندتر شود و تا سرنگون کردن کل این حکومت و نظام ادامه پیدا کند و به پیروزی برسد.

۱۷ ژوئن ۲۰۲۱

نرسیده است و رژیم هنوز سر جای خودش هست و این مبارزات به نتیجه ای نمی رسد و غیره. من با این نظر موافق نیستم. ببینید مبارزه و شکلگیری انقلاب یک روند است. و این روند در جهت تقویت صف مردم و تضعیف رژیم به پیش رفته است. در این چهار دهه ای که حکومت اسلامی سرکار بوده است از سرکوبگری ها و اعدامهای دهه شصت تا امروز راه پر پیچ و خمی را طی کرده ایم. اما امروز حکومت از هیچ نظر در آن شرایط نیست. نسل ما به خوبی بیاد دارد که در دهه شصت چه جو مختنق و پلیسی ای را بر جامعه حاکم کرده بودند. با حمله ای که به دانشگاهها کردند، با یورش نظامی به کردستان و با اعدامهای جمعی که همین جناب آیت الله قاتل مسئول و عامل مستقیم آن بود، جامعه را مرعوب و مختنق کرده بودند. اینها را جامعه از سر گذرانده است و امروز بجائی رسیده ایم که حتی خودی های رژیم از یکدیگر افشاگری میکنند، میگویند این انتخابات نیست انتصابات است، تقصیر دزدیها و کشتارها را به گردن یکدیگر می اندازند، و از طرف دیگر مردم صریحا و علنا اعلام میکنند این حکومت را نمیخواهند و رای شان سرنگونی است.

این شرایط بر متن یک بحران عمیق و همه جانبه اقتصادی

رادیکالی مثل حزب ما هستند که پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی را بلند کرده اند و در این راستا اقدامات عملی معینی را برای طرد جهانی حکومت اسلامی شروع کرده اند. معنی و مضمون طرد و بایکوت، سرنگونی جمهوری اسلامی در انظار جهانی و در سطح بین المللی است. اگر این اتفاق بیافتد مطمئن باشید جنبش مردم ایران برای بزیر کشیدن حکومت بسیار تسهیل خواهد شد. اگر ما بتوانیم این را به دولتها تحمیل کنیم که دست از سازش و مماشات با جمهوری اسلامی بکشند و آن را به عنوان قاتل مردم ایران بایکوت کنند، اگر خواست مردم ایران برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی در جهان نمایندگی بشود، مطمئن باشید جنبش سرنگونی در داخل ایران هم قدمهای بزرگی بجلو خواهد داشت و تعرضی تر و قدرتمندتر خواهد شد. حتی اگر کارزار بایکوت به طرد کامل جمهوری اسلامی از جانب همه دولتها منجر نشود بلکه تنها به یک گفتمان غالب در جهان تبدیل بشود، نفس این امر کمک بزرگی به مبارزات مردم ایران خواهد بود. این کاملا ممکن است که فعالین و نهادهای اعتراضی در ایران که هم اکنون به مناسباتهای مختلف مثل هشت مارس و اول مه و یا در همین انتخابات اطلاعاتیه و بیانیه میدهند و یا پیامها و کلیپهای آنلاینی منتشر میکنند این را هم مطرح کند که حکومت ایران نماینده ما نیست و جهان باید آن را بایکوت کند. میتواند از داخل ایران این صدا بلند شود و این وظیفه ما است که در خارج کشور این پرچم را بلند کنیم و به کارزار بایکوت جمهوری اسلامی دامن بزنیم.

خلیل کیوان: جامعه بارها در سطح میلیونی بپا خاسته است، از جمله در ۸۸ و ۹۶ و ۹۸. اما هر بار به عقب رانده شده است. آیا باز هم همین اتفاق نخواهد افتاد؟ آیا با یک دور باطل مواجه ایم؟ برای شکست این دور چه باید کرد؟

حمید تقوایی: معمولا گفته میشود مبارزات مردم بجائی

می بینید، در مدیای اجتماعی و یا فعالیتهای لابی ایستی و غیره پرچم بایکوت جمهوری اسلامی را بلند کند. در ادامه این روند میشود از همکاری بیشتر بر سر این مساله هم صحبت کرد.

خلیل کیوان: در هر حال سرنگونی رژیم در گرو شکلگیری یک حرکت و انقلاب توده ای در ایران است. مبارزه برای بایکوت حکومت امری مربوط به رابطه دولتها با رژیم است. تاثیر این بر مبارزات خیابانی و کلا جنبشهای اعتراضی در داخل ایران چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من اگر ما خوب عمل کنیم و این امر را به پیش ببریم به زبان گویا و نماینده مردم ایران رو به جامعه جهانی تبدیل خواهیم شد. روشن است که هیچ دیوار چینی خارج کشور را از داخل کشور جدا نکرده است. بخصوص در دنیای امروز و عصر اینترنت که دنیا به یک دهکده جهانی تبدیل شده این دو حوزه مستقیما بر هم تاثیر دارند. در اعتراض به حکم اعدام نوید افکاری دیدیم که

در مدیای اجتماعی چطور دنیا به حرکت درآمد و این امر به نوبه خودش بر اعتراض به مجازات اعدام در خود ایران تاثیرات مثبتی داشت. امروز در مورد اعتراض به زندانی شدن برداران افکاری نیز عین همین پدیده را مشاهده میکنیم. در مبارزه برای بایکوت جمهوری اسلامی هم تنها اپوزیسیون در خارج کشور فعال نیست بلکه حرف مردم ایران و اکتیویستها و نهادهای اعتراضی از داخل ایران نیز همین است. رئیسی را آیت الله قاتل می نامند. مردم با اسم و رسم اعلام میکنند رای ما سرنگونی است. جنبش دادخواهی و خانواده های قربانیان آبان ماه و سقوط هواپیما خواهان محاکمه سران حکومت هستند و غیره و غیره. جامعه فی الحال در یک سطح وسیعی اعلام کرده است این حکومت را نمیخواهد. ما باید منعکس کننده این خواست مردم ایران در سطح جهانی باشیم. باید مردم ببینند که نیروهای

بایکوت کرد. دولتها اگر پای این سیاست نمی آیند به این دلیل نیست که جمعی شبیه کنگره ملی آفریقا را مقابل خود نمی بینند، بلکه به این دلیل است که این جنبش و این حرکت به اندازه کافی انظار عمومی جهانیان را به خود جلب نکرده است. ببینید هر دولتی از سر منافع خودش حرکت میکند و هیچ دولتی دلش برای مردم ایران - و یا مردم آفریقای جهانی در آن زمان - نسوخته است ولی وقتی حساب و کتاب قدرت خودشان در کشور متبوعه شان را میکنند می بینند در برابر افکار عمومی خواهان بایکوت جمهوری اسلامی هستند شکست خواهند خورد و ممکن است در انتخابات بعدی رای از دست بدهند. همانطور که جنگ وینتام را عملا مردم آمریکا تمام کردند و دولت جانسون گفت ما این جنگ را در اتاق نشیمن های مردم آمریکا باختیم. به این دلیل که یک اعتراض عمومی علیه این جنگ شکل گرفته بود و دولت مربوطه دیگر به صلاح خودش نمی دید که در برابر این فشار مقاومت کند.

ما هم باید به چنین فشاری شکل دهیم. آیا برای این امر باید جبهه و یا ائتلافی تشکیل دارد؟ شاید در مقطعی بتوان ارگانی هم برای پیشبرد این امر تشکیل داد ولی هنوز به آنجا نرسیده ایم. قبل از هر چیز باید نیروهای بیشتری قدم به این میدان بگذارند و من متاسفانه استقبال چندانی ندیده ام. حزب ما مدتهاست این سیاست را در دستور دارد و چهره ها و افرادی هم خوشبختانه این امر را دنبال میکنند و یا از داخل کشور اطلاعاتیه ها و بیانیه هائی با خواست بایکوت سیاسی رژیم طرح شده ولی متاسفانه نیروهای سازمان یافته و متشکل اپوزیسیون به موضوع طرد جهانی جمهوری اسلامی توجهی چندانی ندارند. به همین خاطر گام اول اینست که عملا نیروهای اپوزیسیون به این حرکت روی بیاورند و هر یک با زبان و بیان خودش و به هر شیوه ای میتواند و مناسب

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.



حزب کمونیست کارگری ایران Worker-Communist Party of Iran

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

پلنوم ۵۳ کمیته مرکزی حزب در روزهای ۲۱ تا ۲۳ خرداد ۱۴۰۰ (۱۱ تا ۱۳ ژوئن ۲۰۲۱) با حضور اکثریت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی، تعدادی از کادرهای حزب، فعالینی از سازمان جوانان کمونیست و چند مهمان به صورت آنلاین - ویدیویی برگزار شد. پلنوم با پیش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم و به یاد منصور حکمت و همینطور نازنین برومند و فریده آرمان عزیز، که متأسفانه در فاصله دو پلنوم آنها را از دست دادیم، شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم به کار خود پایان داد.

حمید تقوایی لیدر حزب در سخنرانی افتتاحیه خود با یادآوری سخنرانی در پلنوم قبل گفت اتفاقات شش ماهه اخیر بر یگانه و بی همتا بودن جامعه ایران از نظر مضمون پیشرو و انسانی آمل و خواستها، و سطح مبارزات و اعتراضات مردم کاملا صحه گذاشته است. او با اشاره به پیشرویهای جنبش کارگری مانند پیروزی کارگران هفت تپه و اعتصاب سراسری کارگران نفت، مبارزات پیگیر معلمان و بازنشستگان که شکل منظم و سازمان یافته و متوالی یکشنبه های اعتراض را به خود گرفته است، و همچنین گسترش و پیشروی جنبش دادخواهی و به میدان آمدن مادران آبان و دستاوردهای جنبش خانواده های قربانیان شلیک به هواپیما، گفت این مبارزات میروند تا طومار حکومت را در هم بپیچد. او همچنین تعرض وسیع جامعه به مضحکه انتخاباتی با شعار رای ما سرنگونی است را نمونه ای از گسترش و عمق به چالش کشیدن کل نظام حاکم بوسیله توده مردم و بویژه اشاعه تبیین و روایت عمیق و رادیکال حزب از سرنگونی

جمهوری اسلامی و هر نوع دولت مافوق مردم دانست. او گفت این مبارزات خیابانی چنان گسترده و قدرتمند بوده است که انعکاس آن را حتی در صفوف نیروهای اپوزیسیون راست و ملی اسلامی بوضوح مبینیم. او در خاتمه اظهار داشت این شرایط وظایف ویژه ای را در دستور کار حزب ما قرار میدهد که در اسناد پیشنهادی به پلنوم مطرح شده است.

بدنبال تصویب آیین نامه و دستور جلسات پلنوم، در مبحث گزارشات ابتدا اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارش فشرده ای از فعالیت های گسترده حزب در عرصه ها و زمینه های مختلف در داخل و خارج کشور ارائه داد. اصغر کریمی ضمن اشاره به ۷۵ صفحه گزارش ارگان ها و کارزارها و گزارش ۱۲ صفحه ای هیئت اجرایی که کتابا برای کمیته مرکزی و مشاورین ارسال شده بود گفت حزب در این دوره نیز همچنان فعالیت های متنوع و پر دامنه ای را در زمینه سیاسی، تبلیغی و میدانی در داخل و خارج کشور به پیش برده و دستاوردهای ارزشمندی داشته است. جنبش کارگری همچنان نقش پیشتاز داشته و حزب در مراکز مهم اعتصابات و اعتراضات کارگری از جمله نفت و معلمان و بازنشستگان و همینطور در میان فعالین دانشجویی و فعالین دانش آموز، جنبش دادخواهی و پناهندگان ایرانی در خارج نفوذ خود را گسترش داده و نقش قابل توجهی ایفا کرده است. او به حدود بیست مورد از فعالیت های موفق و موثر حزب از جمله رفتن کانال جدید به روی ماهواره دوم، کمپین موفق ۵۸ هزار دلاری برای تامین هزینه های آن، گسترش و تحکیم رابطه با فعالین جنبش های اعتراضی و حضور بیش از ۳۰۰ نفر از فعالین جنبش های اعتراضی

از جمله مادران و خانواده های دادخواه و زندانیان سیاسی و یا اکتیویست های جوان در ایران در کانال جدید در فاصله بین دو پلنوم که نشاندهنده بسط رابطه با فعالین میباشد، آکسیون های سراسری در خارج و حضور گسترده تر کادرهای حزب و فعالیت های حزب در خارج کشور در رسانه های مختلف اشاره کرد و تاکید کرد که فعالیت های درخشان حزب و پیشروی و تاثیرگذاری آن و نقشی که در تقویت گرایش رادیکال در عرصه های مختلف مبارزه داشته است، ناشی از فضای سیاسی و تعرضی و چپ در جامعه و از طرف دیگر متدولوژی و تبیین و تحلیل های حزب بوده است. این مجموعه توان تاثیرگذاری سیاسی و میدانی حزب در تحولات سیاسی را بالا برده است.

مصطفی صابر در بخش گزارش رئیس دفتر سیاسی با اتکاء به گزارش کتبی که به پلنوم ارائه داده بود گفت: حتی نگاهی گذرا به مضامین و مشغله های دوازده جلسه ای که دفتر سیاسی در فاصله دو پلنوم داشته، نشان میدهد که تا چه درجه حزب ما درگیر یک پراتیک گسترده و پر شور برای تغییر اوضاع در ایران است. وی اشاره کرد که رهبری حزب کمونیست کارگری در بالاترین سطح توسط دو ارگان منتخب پلنوم یعنی لیدر و هیات اجرایی و دفتر سیاسی هدایت میشود و در این دوره نیز هماهنگی و همسویی کامل بین دفتر سیاسی و لیدر حزب برقرار بوده است. علاوه بر وظایفی که دفتر سیاسی در نظارت بر کار هیات اجرایی بر عهده دارد یا نقشی که در آماده کردن اسناد ارائه شده به پلنوم ایفا میکند، در این دوره دفتر سیاسی عمدتاً ظرفی برای ارائه بحث، ایجاد هم نظری و پخته کردن ایده ها، تبیین سیاست های

اصلی، بسیج و ایجاد آمادگی در کمیته مرکزی و مشاورین اش جهت پیشبرد اقدامات و کمپین های مهم حزب در فاصله دو پلنوم بوده است. از بحث درباره موقعیت حزب تا سیاست بایکوت جمهوری اسلامی تا توضیح و تشریح برخی از کمپین های حزب و بحث اوضاع افغانستان و سیاست حزب و غیره همه و همه جزو دستورات و مباحث دفتر سیاسی بوده است. هر چه حزب بیشتر به حزبی درگیر پراتیکی وسیع و همه جانبه تبدیل شده است، دفتر سیاسی هم بیش از پیش به این مسائل معطوف شده است. دفتر سیاسی در این دوره سعی کرده است بیشتر روبه جامعه ظاهر شود. از جمله در مورد بایکوت جمهوری اسلامی فراخوانی به نیروهای اپوزیسیون داد و طی قراری از بیانیه آزادی حمایت کرد. این جیتی است که قطعاً باید با تاکید بیشتری دنبال شود.

کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست گفت که مبنای فعالیت های سازمان جوانان بر اساس محورهای زیر در راستای هر چه بیشتر اجتماعی شدن حزب و افق سوسیالیستی بوده است یعنی تقویت و پیشبرد هر چه بیشتر جنبش سرنگونی در میان زنان، دانشجویان، رنگین کمانها، ضد دینها، جوانان، بیکاران و جویندگان کار، تامین حضور سیاسی هر چه بیشتر در مبارزات جاری و رهبری سیاسی، بسط ارتباط با فعالین جنبش های اعتراضی، تمرکز ویژه بر فعالیت متشکل و متحزب و نقش ویژه این نوع از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، تشکیل و تقویت جمعهای مبارزاتی در محلات و آمادگی برای اعتراضات موجود، عضوگیری و جذب نیرو، بردن هر چه بیشتر حزب بعنوان آلترناتیو سیاسی و سوسیالیستی در جامعه و در بین فعالین و جنبش های اعتراضی، آموزش

مبانی و مواضع کمونیسم کارگری به اعضا و فعالین جنبش های اعتراضی در حین پراتیک در امور مختلف سیاسی، تشکیلاتی و تکنیکی و برنامه های تلویزیونی سازمان جوانان و پخش همزمان آنها در اپلیکیشن های مختلف مدیای اجتماعی و کلاب هاوس. سازمان جوانان موفقیت های قابل توجهی در این زمینه ها در داخل و خارج کشور داشته و توانایی و ابعاد سازمانی خود را تقویت کرده و نفوذ و اعتبار سیاسی خود را در جامعه گسترش داده است.

به دنبال این گزارشات، ابتدا سمیر نوری عضو کمیته مرکزی حزب و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق و سپس مسئولین کمیته های سازمانده، کردستان، آذربایجان، خارج کشور، مدیر تلویزیون کانال جدید، مسئول کمیته مالی حزب و همینطور پانزده نفر از مسئولین سایر ارگانها و عرصه ها و کارزارها گزارش کوتاهی از حوزه فعالیت خود ارائه دادند و اعضای کمیته مرکزی و همینطور کادرها و مهمانان شرکت کننده در پلنوم فعالانه به بحث حول گزارش و فعالیت های مختلف حزب پرداختند.

فعالیت های حزب در ۶ ماه گذشته نیز چنان پر بار و گسترده بود که علیرغم اینکه نیمی از وقت سه روزه پلنوم به گزارشات اختصاص یافت، بسیاری از مسئولین وقت کافی برای معرفی فعالیت های خود نداشتند. گزارشات ارائه شده به پلنوم تصویر یک حزب گسترده، دخالتگر و بسیار فعال و خوشبین در عرصه های مختلف اعتراضات و مبارزات در داخل و خارج کشور را به نمایش می گذاشت.

در این پلنوم سه قطعنامه تحت عنوان: "شکل گیری

کارگران نیشکر هفت تپه به توطئه انتخاباتی رئیسی پاسخ میدهند



شهلا دانشفر

هفته قبل خبری همراه با عکس و تفصیل مبنی بر شرکت محمد خنیفر و مسلم چشم خاور دو نفر از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه در جلسه ای با دو نفر از نمایندگان مجلس که در آنجا بنر تبلیغاتی ستاد رئیسی نصب شده بود، به بحث داغی تبدیل شد و بدست موجبات نگرانی و انتقاد بسیاری از حامیان نیشکر هفت تپه را فراهم کرد. موضوع از این قرار بود که این دوستان در جلسه ای تحت عنوان مقابله با "ساختار فساد زا در ایران قوی" با حضور دو نماینده مجلس یعنی نادری و موسوی شرکت کرده بودند که در آن بنر تبلیغاتی ستاد رئیسی نیز نصب بود. شرکت این دوستان در این اجلاس و تصاویری که از آنها همراه با نصب بنر انتخاباتی رئیسی منتشر شد، در کنار جشنی که از سوی شمار معدودی از کارگران تحت عنوان تشکر از "رئیسی" برپا شد، آنهم در روز بعد از جشن بزرگ تاریخی خلع ید، از سوی کارگران نیشکر هفت تپه و بالاخره سکوت نسبتاً طولانی این عزیزان در این موارد، بر این شبهه که گویا این دو فعال کارگری عضو ستاد رئیسی هستند، زمینه داد. چطور که حضور آنها در استادیوم اهواز در سفر انتخاباتی رئیسی به این شهر نگرانی‌ها را شدت بخشید. اینچنین بود که ما نیز نگرانی و نقد خود را طرح کرده و همه تأکیدمان این بود که نباید اجازه داد که تشبثات حکومت اسلامی برای استفاده از اعتبار نیشکر هفت تپه برای داغ کردن تنور انتخاباتی شان ذره ای بر ۵ سال مبارزه درخشان این کارگران علیه بساط چپاول و دزدی حاکم و دستاوردهایش سایه بیندازد.

ما همانجا این انتظار را در مقابل

هژمونی سوسیالیستی در جامعه، "پیشروی های جنبش کارگری و عروج طبقه کارگر" و "وضعیت سیاسی حاضر و ملزومات عروج حزب به عنوان سخنگو و رهبر جنبش سرنگونی" و دو قرار "تعیین بخشی به گفتمان و نقد سوسیالیستی" و قراری در مورد "تقویت جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی" به تصویب رسید. پلنوم همچنین تصویب کرد که کنگره دوازدهم حزب در ماههای پایانی سال جاری میلادی برگزار شود. دو قرار به دلیل ضیق وقت به دفتر سیاسی ارجاع شد. پیام هایی نیز خطاب به مردم ایران، خطاب به کارگران هفت تپه و پیامی نیز در مورد کارگران نفت قرائت شد که با کف زدن حاضرین مورد استقبال قرار گرفت. پلنوم همچنین ضمن تأیید قرار مصوب دفتر سیاسی مورخ ۷ فوریه ۲۰۲۱ مبنی بر تعلیق رفیق علی جوادی، حکم تعلیق وی را با توجه به رعایت موازینی که در حکم تعلیق او ذکر شده بود، لغو نمود.

در مبحث انتخاب دبیر کمیته مرکزی، حمید تقوایی کاندید و به اتفاق آرا به عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و بدنبال آن ۲۵ نفر به عنوان دفتر سیاسی انتخاب شدند که عبارتند از: کیان آذر، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، آذر پویا، امیر توکلی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، محمد شکوهی، شیرین شمس، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزنان، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدال گلپریان، شیوا محبوبی، نسان نودینیان، سمیر نوری و کاظم نیکخواه.

پلنوم در فضایی پر شور و با سخنرانی اختتامیه توسط حمید تقوایی به پایان رسید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ خرداد ۱۴۰۰، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۱

کارگران نیشکر هفت تپه قرار دادیم که رو به جامعه پاسخ دهند و شفاف سازی کنند. امروز جای بسی خوشحالی است که این عزیزان با درایت بالایی به این موضوع نگاه کرده و راه حل و پاسخ روشن خود را دادند و در مقابل این تلاشهای حکومتیان متحدانه پیگیر مطالباتشان هستند و علیه هرگونه بهره جویی سیاسی از مبارزاتشان و نیز هر لفظی ایستاده اند. از جمله اولتیماتوم دادند که اگر تا ۲۴ خرداد پاسخ آنها داده نشود سیل کارگران هفت تپه به خیابان خواهد آمد.

این حرکت هوشیارانه کارگران نیشکر هفت تپه پاسخ دندان شکنی به بازیهای انتخاباتی حکومتیان و تفرقه افکنی های آنان و همچنین باند مافیایی اسدیگی بود. اما ای کاش این دوستان بدون تأخیر و سریعتر عکس العمل نشان میدادند. چرا که هفت تپه امروز بدست به مرکز توجه و امید مردم تبدیل شده است و نباید گذاشت یک لحظه چنین دسیسه هایی بر روی مبارزات آنان سایه بیندازد. کارگران نیشکر هفت تپه در بیانیه خود در پاسخ به این موضوعات با اعلام اینکه تنها راه کسب مطالبات اقتصادی-اجتماعی-سیاسی آنها اتحاد طبقاتی کارگری و توهم نداشتن به هیچ یک از جناح های قدرت سرمایه داری است، پاسخ دندان شکنی به همه بخش های حکومتی داده و بر مطالبات خود تأکید میکنند.

در این پیام کارگران در مورد حضور دو نفر از نمایندگان خود در جلسه مورد اشاره و اینکه چگونه توطئه گرانه بنری با امضای ستاد رئیسی در جلسه نصب شده بود، توضیحاتی داده و با تأکید بر اینکه خنیفر و چشمه خاور عضو ستاد رئیسی و هیچ ستاد انتخاباتی دیگری نیستند، مینویسند: "دو تن از نمایندگان عزیز و تلاشگر ما، آقایان محمد خنیفر و مسلم چشمه خاور برای پیگیری های معمول برای حق آبه و مسائل دیگر منجمله تحویل و تحول برای حکم خلع ید به تهران رفتند و در چندین

جلسه با انواع مقامات اعم از وزارت نیرو، نمایندگان مجلس و... دیدار کردند. در یکی از این دیدارها دو نماینده مجلس یعنی نادری و موسوی همکاران ما را دعوت به حضور در جلسه ای با موضوعیت پیگیری مسائل هفت تپه کردند که قرار بوده درباره نحوه حل مشکلات جاری شرکت بحث شود، اما بدون اطلاع همکاران ما یک بنر تبلیغاتی رئیسی را در محل نصب میکنند.

به همکاران ما گفته شده این جلسه واقعا برای پیگیری است و نه تبلیغ برای رئیسی و به زودی تمام میشود و همکاران ما در عمل انجام شده قرار گرفته و تمرکز را بر طرح مشکلات شرکت میگذارند و با این تصور که این جلسه به سرعت تمام میشود و به جلسات مهم دیگری برای پیگیری مطالبات خواهند رفت به مساله بنر تبلیغاتی واکنش نشان نداده اند. حتی به این دو نماینده ما گفته شده که این برگزاری این جلسه پیگیری در اتاقی که بنر انتخاباتی هم نصب شده تصادفی بوده و صرفا به این علت بوده که این دو نماینده مجلس در این ساعت در این محل حضور داشته و وقت دیگری نداشته اند که به موضوع هفت تپه اختصاص دهند و بنابراین بهتر است فرصت از دست نرود و مطالبات به بحث گذاشته شود و بعد این دو نماینده کارگری وقت کنند تا در فرصت کوتاهی که در تهران هستند به سایر جلسات با مجلس و وزارت نیرو و ... بروند."

کارگران نیشکر هفت تپه در این بیانیه بدست بر این نکته تأکید کرده و می نویسند: "نباید سو استفاده این دو نماینده مجلس طرفدار رئیسی به پای نمایندگان تلاشگر ما نوشته شود. نمایندگانی که بعد از بازگشت به شوش مورد ضرب و شتم اراذل اسدیگی (با تحریک و تمویل مسعود کثیر) قرار میگیرند و اتفاقا همین دستگاه قضایی تحت ریاست رئیسی به جای بازداشت ضاربین خنیفر و چند همکار دیگر ما را بازداشت میکنند.

نه خنیفر، نه چشمه خاور و نه هیچ نماینده مستقل کارگری نه عضو هیچ ستاد انتخاباتی هستند و نه اصلا قراردارند که قسمتی از روند تبلیغاتی شخص خاصی باشند. همکاران ما چند سال است که در حال پیگیری مطالبات هستند و اینکه دو ماه از این چند سال مصادف با بازی انتخابات شده است نباید باعث شود که چشم بر حقیقت بست و همکاران ما را متهم کرد."

در همین راستا این کارگران ادامه داده و می نویسند: "تلاش برای سو استفاده انتخاباتی توسط دو نماینده مجلس از حضور دو نماینده مستقل کارگری هفت تپه که برای یک سلسله جلسات با انواع ادارات و مقامات از هر سه قوه در تهران حضور داشته اند، نه انتخاب ایندو همکار ما بوده و نه مورد تأیید آنها. این تلاش برای سوء استفاده، در میان حجم زیادی از پیام های همکاران ما که مواضع روشنی درباره بی ربط بودن انتخابات به کارگران را اعلام میکنند در حقیقت یک تلاش کور و بی ثمر بوده است. ما به اندازه کافی روشنگری میکنیم و اعلام میکنیم که هیچ کدام از کاندیداها ربطی به منافع کارگری ندارند. همزمان هم روشنگری میکنیم که نمایندگان ما صرفا برای پیگیری مطالبات به مقامات ذیربط مراجعه میکنند." و در ادامه می گویند: "اینکه ستاد رئیسی می خواهد از پیروزی کارگران هفت تپه در خلع ید به نفع خود بهره برداری کند به معنی این نیست که پیروزی ما مدیون یک مقام خاص حکومتی است. بارها اعلام کردیم که این پیروزی فقط محصول همت و اتحاد کارگران هفت تپه بوده است. اما ضمنا هم اعلام میکنیم که اجازه نمیدهیم از پیروزی ما بهره برداری سیاسی کنند. ما صریحا روشنگری کردیم که چند ماه تاخیر در اعلام حکم خلع ید بخش خصوصی یعنی اینکه رئیسی میخواهد در آستانه انتخابات از این رای قضایی بهره برداری کند. ما همین حالا هم رئیسی و قوه قضائیه را

ادامه از صفحه ۷

هفت تپه و انتخابات



حمید تقوایی

گرامش مینویسد:

با پدیده هائی مثل شوراهای اسلامی و خانه کارگر مواجه نبودیم. بنابراین نیازی به مطرح کردن "همزمانی طرح مطالبات با تبلیغات انتخاباتی رئیسی" نبود. مذاکره با مقامات حکومتی بمنظور پیگیری خواستههای کارگران نیز امری طبیعی و بخش تفکیک ناپذیری از مبارزات کارگری است. اینها همه قابل فهم است. اما اینجا مساله بسادگی توهم دو فعال کارگری به رئیسی است و باید بروشنی همین را گفت.

در هر بخشی از جامعه و از جمله در میان کارگران چنین افرادی وجود دارند. مهم این است که مبارزات طبقه کارگر علی العموم و بطور مشخص اعتصابات درخشانی مثل اعتصابات هفت تپه را نباید و نمیتوان با مواضع افرادی از فعالین سنجید و قضاوت کرد. امروز هفت تپه، به بمن مواضع و یادداشتهای رادیکال و کوبنده شما در مورد انتخابات، صدای گویای کل طبقه کارگر علیه مضحکه انتخاباتی حکومت نیز هست. شما توطئه حکومت را در سوء استفاده از اعتبار هفت تپه به عکس خود تبدیل کردید و همین نشان میدهد که توهم این یا آن فعال کارگری به حکومت جایگاهی در مبارزات و مقاومت و تعرض سرسختانه و سازش پذیر شما ندارد. امیدوارم در ادامه مبارزاتتان برای حق آبه و پیگیری خواستههای برحق دیگران همچنان متحد و سرسخت به پیش بروید و دستاوردهای بیشتری داشته باشید. حزب ما با تمام توان و امکانات خود در کنار شما و حامی شما است.

۱۷ ژوئن ۲۱

کل طبقه کارگر ایران در برابر مضحکه انتخاباتی ایستاده است و این بهترین پاسخ به تمام دسیسه ها و توطئه هائی است که خواستند در فضای انتخاباتی بر سر هفت تپه آوار کنند.

در آخر لازم میبینم سخنی هم با کارگران رزمنده هفت تپه داشته باشم. اطلاعیه شما با امضای جمعی از کارگران هفت تپه این عنوان را دارد "اطلاعیه درباره همزمانی پیگیری های نمایندگان کارگری هفت تپه با زمان تبلیغات انتخاباتی و روشننگری درباره یک اتهام وارده به برخی از آنها" در متن اطلاعیه نیز توضیح داده شده است که "دو تن از نمایندگان عزیز و تلاشگر ما" برای پیگیری خواسته هایمان به تهران رفته اند و با چند نفر از مقامات ملاقات داشته اند اما مقامات سوء استفاده میکنند

و بنر تبلیغاتی رئیسی را در جلسه نصب میکنند و غیره. نکته من اینست که دوستان عزیز این توضیحات با اقدامات دیگر همین دو نفر، مثل برپائی تجمع دیگری با مضمون تشکر از رئیسی در فردای جشن پرشور شما، حضورشان در میتینگ انتخاباتی رئیسی در اهواز و سکوتشان در مورد همه این مسائل تا همین امروز خوانائی ندارد. اگر هدف شما حفظ اتحاد صفوف کارگران است این اتحاد فقط با موضع گیری شفاف و رادیکال در قبال اتفاقاتی از این قبیل تامین میشود. طبیعی است که در هر مرکز تولیدی کارگرانی هستند که هم ممکن است در اعتراضات فعال باشند و هم به حکومت و یا جناحهایی از آن توهم دارند و یا فکر میکنند از این طریق میتوانند به خواسته هایشان برسند. اگر چنین نبود

"... مدعیان بجای رسیدگی به مطالبات و دغدغه کارگران و رفع این معضل هر روز در میتینگ های مبتذل انتخاباتی شان، هفت تپه و کارگران و عکس های یادگاری شان را به رخ رقیبان می کشند. امروز به این مدعیان که سودای میز باستور مستشان کرده است اعلام می کنیم دغدغه کارگران هفت تپه #آب است نه #انتخابات بنابراین استفاده تبلیغاتی از هفت تپه و کارگران برای فریب و کسب رأی از مردم، ممنوع. در کنار و همصدا با مردم میمانیم نه رأی می دهیم نه از کسی حمایت می کنیم.

ما فقط به فکر منافع طبقاتی خود هستیم و می دانیم از این صندوق چیزی عاید طبقه در رنج کارگر نمی شود."

و ابراهیم عباسی میگوید:

"آقای #رئیسی برو آنجا که ترا منتظرند هفت تپه #آب نیست، #نان نیست، #رای هم نیست. سفره کارگران هفت تپه برای شما نانی ندارد. هفت تپه از دست دسیسه های اسدیگی دارد از دست می رود آنوقت شما دوربین تان را به سمت کارگر میگیرید برای حمایت شما در انتخابات!"

این صدا و پیام هفت تپه است. با این ترتیب اشتباه چند کارگر و توطئه های حکومتی برای سوء استفاده از اعتبار هفت تپه در بازیهای انتخاباتی شان نتیجه معکوس داده است. امروز هفت تپه، پایتخت اعتصابات جهان، سنگر مقابله با مضحکه انتخاباتی حکومت نیز هست. هفت تپه امروز به نمایندگی از

بدنبال انتشار کلیپ حضور دو تن از فعالین هفت تپه در ستاد رئیسی و بحث ها و نظرات مختلفی که در این باره مطرح شد، هفته گذشته شاهد انتشار اطلاعیه ها و بیانیه هائی با امضای جمعی از کارگران هفت تپه و سندیکای نیشکر هفت تپه و یادداشتهائی از جانب اسماعیل بخشی و ابراهیم عباسی و دیگر فعالین سرشناس هفت تپه بودیم. این بیانیه ها و یادداشتهای حساب کارگران هفت تپه و مبارزات آنها را از اقدامات چند نفر که با تبلیغات انتخاباتی رئیسی تداعی شده بودند کاملاً جدا میکند. از قبل هم البته روشن بود که نباید اقدام چند نفر باعث بشود کل مبارزات کارگران هفت تپه و دستاوردهایشان بزیر سؤال برود. متأسفانه عده معدودی چنین کردند و با توسل به اقدام چند نفر کل اعتصابات هفت تپه و دستاورد خلع ید و جشن پیروزی کارگران را نفی و تخطئه کردند. من در مصاحبه ای که تحت عنوان "هفت تپه: توطئه ها، چالش ها و سیاست اصولی" منتشر شد بر این نکته تأکید کردم که جایگاه و اهمیت هفت تپه و دستاوردهایش نباید تحت الشعاع مسائل انتخاباتی حکومت قرار بگیرد و اکنون برخورد فعالین سرشناس هفت تپه بیش از پیش بر این واقعیت صحنه میگردد. هفت تپه در هفته گذشته نشان داد که نه تنها با کسانی مثل خنیفر و چشم خاور نمایندگی نمیشود، نه تنها هیچ توهمی به انتخابات حکومت ندارد، بلکه سنگر محکمی علیه کل این مضحکه است.

اسماعیل بخشی در اینستا

مسئول بسیاری از مصیبت ها میدانیم که در همین دو ماه به ما تحمیل شده است."

در عین حال این کارگران با اعلام قاطع اینکه اجازه بهره برداری سیاسی از کارگران و مبارزات و پیروزی خود را به هیچ جناحی نمیدهند، اعلام کرده و مینویسند: "البته قطعاً اگر هر کدام از این عزیزان آگاهانه و حتی با نیت خوب و برای پیگیری مطالبات ما به ابزاری برای بهره برداری سیاسی بدل شود ما به طور صریح با این مساله مقابله خواهیم کرد. زیرا باور داریم تنها راه کسب مطالبات اقتصادی-اجتماعی-سیاسی ما اتحاد طبقاتی کارگری و توهم نداشتن به هیچ یک از جناح های قدرت سرمایه داری است."

توضیحات روشن و همه جانبه و قاطع کارگران نیشکر هفت تپه، این سنگر مهم جنبش کارگری، بیش از هر چیز هوشیاری و پختگی اینکارگران را که به راستی در کوران نبرد سخت آبدیده شده اند را به نمایش میگذارد. درود بر کارگران نیشکر هفت تپه.

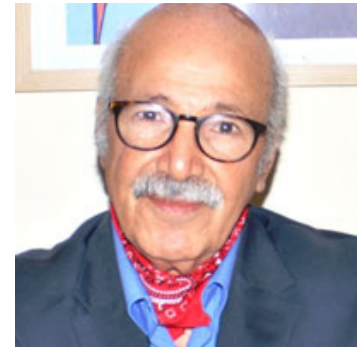
این اتفاق در عین حال که نگرانی هایی را در سطح جامعه دامن زد، درس های آموزنده ای هم برای خود این کارگران و همه برای کل جامعه در بر داشت. نباید اجازه داد که توطئه گریهای حکومتیان صف متحد مبارزات ما کارگران را متفرق کند. جمهوری اسلامی و باند مافیایی اسدیگی که خود را در برابر کارگران نیشکر هفت تپه شکست خورده میبینند میکوشند با انواع توطئه ها مبارزات این کارگران را عقب بزنند. از جمله با قطع حق آبه نیشکر هفت تپه زمینهای کشت آنان دارد میسوزد و با نپرداختن دستمزدها این کارگران در تنگنای اقتصادی و معیشتی، سختی قرار گرفته اند. امروز این کارگران در موقعیت دشواری قرار دارند. با تمام قوا باید از مبارزات آنان حمایت و پشتیبانی کرد.

اندیشه و سیاست

در این صفحه هر هفته متن یکی از بحث‌های صوتی پادکاست اندیشه و سیاست منتشر خواهد شد.

مدیر پادکاست: کاظم نیکخواه
لینک: andishevasiasat.podbean.com

کمونیسم و مذهب



چرا و از چه زاویه‌ای کمونیست‌ها با مذهب مخالفند؟ اینجا سعی می‌کنم به این سوال بطور خلاصه و به زبانی ساده پاسخ دهم. اولین نکته‌ای که باید بگویم اینست که بر خلاف آنچه توسط مرتجعین و کشیش‌ها و آخوندها تبلیغ می‌شود مشغله اصلی کمونیست‌ها مخالفت با خدا و مذهب نیست. بلکه هدف پایه‌ای و اصلی کمونیست‌ها مخالفت با ستم و استثمار و تبعیض است. به همین دلیل ما با تمام ایدئولوژی‌هایی که در خدمت تحکیم پایه‌های استثمار و ستم هستند از جمله با ناسیونالیسم و مذهب و هر نوع خرافه و تفکر دیگری مخالفیم. اساس برخورد ما کمونیست‌ها به مذهب هم مثل هر پدیده دیگری از زاویه مبارزه با ستم و استثمار است. نه چیز دیگری. یعنی برخورد ما به مذهب اساساً سیاسی و طبقاتی است. کمونیسم یک جریان ضد سرمایه داری ضد استثمار و ضد جامعه طبقاتی و ناعادلانه موجود است. کاری که مذهب می‌کند کل وضعیت موجود را با

توسل به خدا و بهشت و دوزخ و امثال آنها توجیه می‌کند.

مذهب فقط جهل نیست. خرافه نیست. فقط موعظه بی پایه و بی اساس نیست. مذهب یک سیستم تعصب پرآکنی، تفرقه گستری، تسلیم طلبی، خشونت و جنایت است. با مذهب می‌شود منطق انسانی را از آدمها گرفت. انسانها را تبدیل به گرگهای درنده شبیه داعش و خلخالی و لاجوردی کرد. زنان یعنی نیمی از انسانها را از رده انسانی خارج کرد و مورد تبعیض و ستم و توحش قرار داد. با مذهب می‌شود چشمها را بست و عقل و شعور آدمها را از آنها گرفت. با مذهب می‌شود جنگ و کشتار و آدم کشی را به لذت تبدیل کرد. با مذهب می‌شود فقر و استثمار و محرومیت را مشیت الهی قلمداد کرد. با مذهب می‌شود دشمنان مردم را دوست و دوستان مردم را تبدیل به دشمن کرد. با مذهب می‌شود مردم محروم را بدنبال چپاولگران زندگی‌شان بسیج

کرد و به حرکت درآورد. بدنبال برده داران، به دنبال فئودالها و زمین داران و اشراف و بدنبال سرمایه داران و مفتخوران.

این کارکرد مذهب است که باعث می‌شود کمونیست‌ها مخالف جدی مذهب باشند. مخالفت با دین و مذهب مختص کمونیست‌ها نیست. اما نقد مذهب از زاویه ابزار توجیه کننده وضع موجود و توجیه کننده محرومیت‌ها و استثمار و ستمگری و به تسلیم کشاندن مردم در برابر ستمگران و استثمارگران، اساساً متعلق به کمونیست‌هاست. کمونیست‌ها به این دلیل ضد مذهب هستند که ضد جامعه طبقاتی و ضد استثمار و ضد ستمگری هستند.

از نظر تاریخی مذهب اساساً حاصل جهل و نادانی بشر از ریشه پدیده هاست. زمانی که مردم نمی دانستند که علت باد و باران و زلزله و شب و روز چیست، جواهرهایی با همان درک اولیه شان پیدا کردند و کم کم هر پدیده طبیعی را به خدایی نسبت دادند. خدای باد، خدای آتش، خدای آب، خدای خوشی، خدای ناخوشی و رنج و درد، خدای آفتاب، خدای شب، خدای روز!

خود اینها بتدریج طی سالها و قرن‌ها به ایجاد مذاهب بسیاری در جوامع اولیه بشری منجر شد. مذهبی که خدایان بسیار داشت. وقتی به جوامع طبقاتی برده داری و فئودالی میرسیم همین اعتقاد به خدایان مختلف و مذاهب مختلف زمینه ساز یا بهانه جنگهای بسیاری میشود. پیروان این مذهب و آن مذهب با پیروان مذاهب دیگر وارد جنگ میشوند و از یکدیگر کشتارهای وسیعی میکنند و فجایع زیادی را دامن می‌زنند و بسیاری از بردگان از مردم مغلوب تشکیل میشود که به بردگی گرفته میشوند. گناهشان هم ظاهراً اینست که به خدای آن یکی اعتقاد ندارند. اما اساس مساله قلمرو گشایی و تاراج و غارت است و خدایان و مذاهب بهانه این جنگهای غارتگرانه را فراهم می‌آورد.

مثلاً در ایران و خیلی کشورهای دیگر با حمله اعراب بود که

اسلام وارد شد و ادیانی مثل زرتشتی و مزدکی و دیگر مذاهب حاشیه‌ای و تقریباً محو شدند. در خلال این جنگها خدایان کم کم تعدادشان کم میشود و نهایتاً میرسیم به خدای واحد. از یک مقطعی این خدای واحد به عنوان خالق همه چیز دست بالا پیدا کرد. خالق همه دردها و رنجها و خوشی‌ها و ناخوشیها و باد و آب و آتش و غیره.

مذهب از همان ابتدای شکل گیری جوامع طبقاتی ابزاری در خدمت شکافهای طبقاتی و امتیازات طبقاتی اقلیت برده دار و بعد فئودال و اشرافیت و بعد سرمایه داران بود. مذهب و جامعه طبقاتی با هم گره خورده اند و دو روی یک سکه اند بخشی از یک واقعیت واحد هستند. میشود گفت بدون مذاهب جوامع طبقاتی امکان بقا نداشتند. و بدون وجود طبقات استثمارگر مذهب امکان بقا نداشت.

مذهب یک ایدئولوژی است که مردم زحمتکش و محروم را به سیاهی لشکر طبقات حاکم علیه کسانی مثل خودشان تبدیل میکند. این نقش اصلی مذهب است. همین نقش را ناسیونالیسم هم دارد. تمام ایدئولوژی‌هایی که از منطق زمینی دور میشوند و به تعصبات و الهیات و در خلصه بردن مردم و بی اعتبار کردن تفکر و اندیشه و عقل روی می‌آورند، در واقع همین کارکرد را دارند. آدمها اول از خودشان، از مغزشان، از منطق انسانی و زمینی شان دور میشوند و بعد در یک حالت خلصه و هیپنوتیزم و تعصبات، به راحتی در یک حالت استیصال به هر سویی کشیده میشوند.

پذیرش محرومیت و فقر و فاصله طبقاتی، کشیده شدن به جنگهای ویرانگر علیه مردمی دیگر مثل خودشان، بندگی کردن برای دشمنان با خلوص نیت، و کلا تسلیم شدن به اسارت و بندگی و بردگی. این کارکرد اصلی و اساسی مذهب است.

این بیان دیگری برای این حقیقت است که مذهب انسان را از خود بیگانه میکند. انسان را به بنده مخلوق خودش تبدیل

میکند. و از این طریق انسانها را به قبول بندگی و بندگی برای دشمنانشان قانع میکند.

صنعت مذهب

بنابراین ریشه مذهب در جهل و همچنین ترس بشر است که آنها ناشی از جهل است. اما یک چیز که باید بطور جدی توجه کنیم اینست که ریشه دوام مذاهب تا دوره کنونی ناشی از جهل نیست. این هم یکی از نکات مهم بحث در مورد مذهب است.

همه مذاهب ریشه در جهل بشر دارند. اما وقتی که جهالت بشر به صورت یک جنبش و یک سیستم و کسب و کار در می‌آید این جهل دیگر بسادگی با دانش و آگاهی ریشه کن نمیشود. باید این کسب و کار را شناخت و راههای مقابله با آن را پیدا کرد.

علم و دانش نه فقط امروز بلکه از قرن‌ها پیش پاسخ تمام مسائل اساسی که عدم آگاهی از آنها باعث ایجاد مذاهب شدند و بسیاری از مسائل دیگر را بروشنی داده و دارد. اما مذاهب مانع شنیده شدن صدای علم و آگاهی میشوند. مذهب گوشها را می‌بندد و صدای آگاهی را خفه میکند. چونکه به کسب و کار و منبع ثروت و سرمایه و قدرت تبدیل شده. کم نبودند دانشمندانی که توسط آخوندها و مراجع اسلامی نابود شدند چونکه پاسخ علمی و روشن به سوالات بشر داده بودند. کم نبوده اند روشنفکرانی که به دلیل روشنگری شان سر به نیست شدند. اگر به تاریخ نگاه کنید نمونه‌های ثبت شده متأسفانه زیادند. و نمونه‌های ثبت نشده بسیار بسیار بیشتر است.

منصور حلاج در دوره عباسی زندان و شکنجه و اعدام شد. احمد کسروی تاریخ دانی که توسط فدائیان اسلام ترور شد - جوردانو برونو دانشمند مشهوری که توسط کلیسا در آتش سوزانده شد. گالیله به زندان انداخته شد و با تهدید سوزاندن در آتش، ناچار به توبه گردید و در محدودیت و حبس

ادامه از صفحه ۹

خانگی مرد.

در کشورهای اسلامی که اوضاع صد بار از این هم بدتر بود و بسیاری از متفکرین و روشنفکران و آزاد اندیشان به جرم نقض قوانین اسلامی اعدام و سنگسار و نابود شدند. همین الان در جمهوری اسلامی و کشورهای دیگر اسلامی شاهد هستیم که چگونه با علم بشری دشمنی میکنند و جمهوری اسلامی نه فقط نویسندگان و روشنفکران علوم سیاسی و اجتماعی، بلکه حتی دانشمندان محیط زیست را زندانی و سر به نیست میکنند.

واقعیت اینست که دوام مذهب به دلیل جهل بشر نیست. بلکه مذهب برای مقابله با رشد وسیع آگاهی بشر و عقب راندن آن است که پروبال داده میشود و سر پا نگه داشته شده است. مذهب قرنهایست که دیگر معلول جهل نیست بلکه عامل جهل است. عامل دامن زدن به جهل و خرافه و عقب ماندگی و استیصال.

و این بسادگی داستان صنعت مذهب است. مذهب اساسا زاییده جهل بشر است اما دوام مذهب ناشی از جهل نیست. ناشی از وجود صنعت مذهب است که شکل میگیرد و تلاش میکند که دنیا را بر اساس جهل سازمان بدهد و جلو ببرد و از قبل جهل نان میخورد. نیروهای اجتماعی با نقشه و آموزش و تحرکات بسیار تلاش میکنند که بشر در جهل باقی بماند. تعصب مذهبی یا برجا بماند. علیه علم و دانش و آگاهی بشر، پروپاگاندا و تبلیغات و سمپاشی و فضا سازی میکنند و زیر پروبال مذهب را میگیرند که تضعیف نشود. مهمترین ابزار این تلاش، سرکوب و نابود کردن نیروهای پیشرو و مدرن و مدافع دانش و آگاهی است.

اسلام سیاسی

از اینجا ما میتوانیم نقبی بزنییم به اسلام سیاسی. وقتی ما از اسلام سیاسی حرف میزنیم منظورمان چیست؟ فضایی که الان در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم شاهدش

هستیم که جنبش اسلامی در کشورهای مثل ایران برو بیایی پیدا کرده و در کشورهای مختلفی حتی به قدرت رسیده را برخی به رشد اسلامگرایی در میان مردم نسبت میدهند. در ایران چهل سال است که اسلام دارد حکومت میکند. در ترکیه نیز جریانات اسلامی در قدرت هستند و تلاش میکنند دستاوردهای سکولار و مدرن آن جامعه را عقب برانند. در برخی کشورهای آفریقایی هم اسلامی ها شریک قدرت هستند. در جوامع دیگری در خاورمیانه هم جریانات اسلامی به تحرک افتاده اند. همه اینها این تصویر را میدهد که در این قرن و در این چند دهه گویا اسلام و کلا شاید بشود گفت جریانات مذهبی رو به رشد و گسترش دارند. اما واقعیت چیز دیگری است.

حقیقت این نیست که مردم در این دوره بیش از قبل به اسلام یا مذهب روی آورده اند. مردم بعد از قرنها و هزاره ها ناگهان جاهل و نادان نمی شوند به علم و دانش پشت نمیکنند. واقعیت عکس این است. در این دوره گرایش ضد مذهبی و آنتیستی از تمام دوره های دیگر وسیع تر و گسترده تر است. آنچه که شاهد هستیم اینست که در چند دهه اخیر اسلام و جنبش اسلامی توسط قدرتهای سرمایه داری به جلو سوق داده شد. این جهل و اسلام زدگی مردم نبود که اسلام و خمینی رادر کشوری مثل ایران جلو آورد بلکه دولتهای سرمایه داری از فضای اسلامی در حدی که در ایران از زمان شاه وجود داشت و آماده شده بود، استفاده کردند و با استفاده از بلندگوهای تبلیغاتی ای مثل بی بی سی و غیره که در اختیار داشتند و با تربیون دادن به دارو دسته های اسلامی آنها را به میان مردم بردند و بعد با کنفرانس گوادلوپ خمینی را به قدرت کشیدند. هدفشان هم این بود که مانع پیشروی مردم و قدرت گیری چپ و کارگر در جریان انقلاب ۵۷ شوند. قبل از آنهم حکومت شاه خودش پروبال دهنده به مساجد و آخوندها و دستگاه مذهب بود و همین دستمایه توطئه های بعدی برای به شکست کشاندن انقلاب مردم شد. روی کار

آمدن جمهوری اسلامی خودش فاکتور مهمی بود که جنبشهای اسلامی را در کشورهای دیگر هم دامن زد و به جریانات اسلامی پروبال داد. اما باز هم سرمایه گذاری های وسیع، سرکوبها و کشتارها، و ایجاد رعب و وحشت ابزار اصلی یکه تازی مذهب در کشورهای مختلف بوده است. داعش و القاعده و طالبان و جمهوری اسلامی و بوکوحرام و اینها همه دست ساز دولتهای سرمایه داری غرب هستند که در رقابت هایشان از آنها استفاده میکنند، نه محصول جهل مردم. در این رابطه فاکتورها و شواهد بسیار روشن و غیر قابل انکاری وجود دارد.

جریانات مختلف راست و بورژوازی هم بعضا مخالف مذهبند. اما حداکثر از سر غیر علمی بودن مذهب و بی سواد بودن آخوندها با ان مخالفت میکنند اما با مذهب به عنوان مذهب رسمی و یا تخذیر کننده انسانها عموما مشکلی ندارند. الان در ایران یک جنبش ضد مذهبی و ضد اسلامی بسیار وسیع در جریان است. جریانات راست وانمود میکنند که با این جنبش همراهند اما تلاش میکنند این جنبش را به مخالفت با آخوندها محدود کنند و تقلیل بدهند. تازه نه همه آخوندها بلکه بخشی از آخوندها از آخوندهای "متمدن و میانه رو و معقول" حرف میزنند. حتی از حاکمان اسلامی به عنوان "فرقه تبهکار" و امثال اینها یاد میکنند. نقدی به خود احکام و سنتهای اسلامی ندارند. عملکرد جنایتکارانه جمهوری اسلامی مثل سنگسار و اعدام و توحش علیه زنان و علیه کمونیستها و علیه اقلیتهای ملی و غیره را به حساب اسلام نمی نویسند بلکه گویا همه چیز بخاطر درک نادرست یک فرقه تبهکار از اسلام است. این را در کشورهای دیگر هم شاهد هستیم.

کمونیستها امرشان این است که مذهب را به عنوان ابزار و سلاحی در دست حاکمین افشا و حاشیه ای کنند. جامعه را از تخذیر و تسلیم طلبی و توحش و تخریب مذهب خلاص کنند و جامعه ای انسانی و آزاد و برابر

مبتنی بر آخرین دستاوردهای علمی بشر برپا کنند.

در تمام طول تاریخ مذهب یا بهتر است بگوییم یک مذهب و دین این امتیاز انحصاری را داشته است که مبلغینش آزادانه و با دست باز تبلیغ و توجیه و پروپاگاندا کنند و مخالفین مذهب دست و بالشان بسته بوده است. نه فقط این. مذهب غالب حتی اجازه تبلیغات به مذاهب مغلوب را نمی داده است. برای نمونه میشود به تجربه ایران فکر کرد که مثلا بهائیان یا پیروان مذهب سنی بخشی از مردمنده که به دلیل مذهبشان زیر ستم و سرکوب و اجحافات شدیدی قرار داشته و دارند. یا در گذشته مزدکیان و زرتشتیان به دلیل مذهب شان تار و مار و سرکوب و کشتار شدند. بنابراین در هر منطقه و کشوری معمولا یک مذهب دست بالا پیدا کرده و بقیه مذاهب و اندیشه های مغایر مذهب حاکم مثل ماتریالیسم و کمونیسم و علم و دانش و جامعه شناسی و غیره را سرکوب و نابود کرده است. مذهب یک جریان بسیار غیر متحمل است و نحله های فکری دیگر را تحمل نمیکند.

آزادی مذهب و آزادی بی مذهبی

ما از آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان دفاع میکنیم. ما این امتیاز انحصاری را از مذهب میگیریم که بتواند مخالفین را سرکوب کند و به تنهایی در عرصه جامعه یکه تازی کند. ما هم از آزادی مذهب دفاع می کنیم هم از آزادی بی مذهبی. مذهب از یک سیستم حکومتی باید تبدیل بشود به یک سیستم فکری. به یک سیستم اعتقادی مثل هر تفکر و اعتقاد دیگری. یک سری سنتهای مذهبی که خلاف جمعه مدرن انسانی است مثل شمشیر زدن و زنجیر زدن و ازدواج کودکان و صیغه و زن آزاری و نفرت پرانی علیه بخشهای دیگری از مردم و امثال اینها باید کاملا و فوراً ممنوع شود. از نظر ما نقد مذهب کاملا آزاد است و نه فقط این. بلکه ما آن را تشویق میکنیم. آزادی عقیده و بیان یعنی اینکه نقد مذهب آزاد

است. مسخره کردن مذهب آزاد است. کاریکاتور کردن شخصیتهای مذهبی آزاد است. و هیچکس نباید به دلیل ابراز عقیده اش به هر شکلی در رابطه مذهب و یا در هر موضوع دیگری سرکوب شود و زیر فشار قرار گیرد. این راه اصلی منزوی کردن مذهب در این دوره است. چرا که مذهب و دین یک تفکر و سیستم فکری غیر علمی و کاملا خرافاتی و بی پایه است و به سادگی در برابر علم به زانو در خواهد آمد. به شرطی که امکان سرکوب و خفه کردن مخالفان را نداشته باشد.

و بالاخره تاکید کنیم که از نظر ما مذهب باید از قوانین و دولت و آموزش کاملا جدا شود. این آن چیزی است که به آن سکولاریسم یا دولت سکولار میگویند. آدمها میتوانند مسلمان و مسیحی و غیره باشند. اما سنتها و قوانین مذهبی نباید در دولت و قوانین دخالت کنند. قوانین جامعه باید بر اساس مصالح شهروندان و مردم تعیین شود و بهترین و مدرنترین سنتها و دستاوردهای بشری مبنای قوانین باشند که تضمین کننده رفاه و آزادی و برابری و امنیت مردم باشند. کودکان باید از دست درازی مذهب در امان باشند. افراد اجازه ندارند که سنتهای مذهبی را به کودکان تحمیل و حقه کنند. کودک باید در محیط علمی و پیشرو و شاد پرورش پیدا کند و رشد فکری پیدا کند. ازدواج با کودکان به عنوان کودک آزاری تلقی میشود و یک جرم جنایی جدی است. ما اجازه نمیدهیم که آخوندها و مبلغین مذهبی به مدارس راه پیدا کنند و تبلیغات مذهبی و تعلیمات دینی و مراسم مذهبی در مدارس انجام شود. اینها با نفس جامعه آزاد بشری سازگاری ندارد.

مارکس زمانی گفت که مذهب افیون توده هاست. امروز باید گفت مذهب نه فقط افیون توده ها بلکه قاتل توده هاست و باید دست این نیروی مخرب از جامعه بشری کوتاه شود.

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

در حاشیه آغاز به کار "کالج اسلامی تربیت امام" در آلمان!

محمد شکوهی



این کشور؛ "جوامع موازی" درست کرده و ضدیت خود را با هر گونه فرهنگ و تمدن غربی علنا و آشکارا بیان می کنند، مشغول جاری کردن شریعه و قوانین اسلامی می باشند. لازم به توضیح است درسالهای قدرت گیری داعش در عراق همین مساجد و بخشا انجمن هایی که با دولت همکاری می کنند، صدها نفر تروریست و آدمکش برای داعش و جریانات تروریستی دیگر در خاورمیانه جذب و تربیت کرده بودند. زیر فشار افکار عمومی دولت و برخی ایالت های این کشور مجبور شدند برخی مساجد را تعطیل و تعدادی را دستگیر کنند.

تربیت امام؛ این بار امامانی که به آلمانی اسلام و شریعه تدریس می کنند، در کنار حمایت های میلیونی از پروژه های راه اندازی مدارس تدریس قرآن، به رسمیت شناختن قوانین ضد زن و ضد انسانی اسلامی در امورات مربوط به ارث، ازدواج و... بخشی از سیاست مماشات جویانه دولت این کشور با احزاب و دار و دسته های اسلامی و تلاش برای باز کردن میدان برای این باندها برای دخالت در زندگی میلیونها مهاجر منتسب به اسلام و مسلمان می باشد.

سیاست مماشات جویانه دولت آلمان با احزاب و جریانات اسلامی بشدت محکوم است. فعالیت مساجد و انجمن های اسلامی حامی تروریسم باید ممنوع شود.

۱۶ ژوئن ۲۰۲۱

دوچه وله نوشته است نخستین "کالج اسلامی تربیت امام" در آلمان با مسئولیت کریستیان وولف، رئیس جمهور سابق آلمان آغاز به کار کرد. وولف از حزب دموکرات مسیحی ریاست هیات نظارت بر آموزش امامان در کالج اسلامی را برعهده دارد. دولت آلمان و ایالت نیدرزاکسن در گام نخست بودجه ای بالغ بر پنج و نیم میلیون یورو برای این کالج در پنج سال پیش رو پیش بینی کرده اند.

دولت آلمان در یک دهه گذشته تلاش های زیادی برای "اینترگره کردن مسلمانان"؛ (بخوان جلب و جذب احزاب و جریانات اسلامی) در این کشور حول سیاستهای "مدارا و تعامل با ادیان الهی" را در دستور داشته است. مهمترین این سیاستها راه اندازی "کنفرانس اسلام در آلمان" است. دولت آلمان با نمایندگانی از دار و دسته های اسلامی جلسه می گیرد تا "امورات مسلمانان" را رتق و فتق کند. بهانه دولت آلمان در اتخاذ این سیاست جلوگیری از تبلیغ "اسلام افراطی" در بیش از ۲۵۰۰ مسجد در این کشور و "مهار روی آوری جوانان به احزاب و جریانات تروریست اسلامی اعلام شده است. در کنار آن نگرانی از گسترش نفوذ ترکیه و عربستان، که امام جماعت به این کشور صادر میکنند و از این طریق در میان مسلمانان جا می کنند، اسباب نگرانی دولت این کشور را فراهم آورده است.

جریانات اسلامی که در مساجد

نامه مسئول سیاست امور خارجه و اروپا حزب سبز پارلمان هلند در اتباط با انتخابات در ایران

بدنبال تماسهای پریسا پوینده مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و پس از ارسال نامه شیوا محبوبی، سخنگوی کمیته در ارتباط با مضحکه انتخاباتی و درخواست حمایت از مبارزات مردم ایران، خانم کارین فان در هایدن مسئول سیاست امور خارجه و اروپا حزب سبز هلند در پاسخ به این نامه گفته است:

«شیوا محبوبی عزیز، از پیام شما در باره انتخابات ایران متشکرم. من از صمیم قلب قبول دارم که این انتخابات ساختگی است و این یک چشم انداز بدی است که یک نامزد تندرو احتمالا در انتخابات پیروز شود. در تماس باشیم تا در هر فرصت مناسب پارلمان و دولت هلند بتواند به نیروهای دمکراتیک در ایران کمک کند.

با آرزوی بهترینها برای کمپین های با ارزش شما.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با تماسهای وسیع در سطح جهان، تلاش کرده است تا با تماس و دیدار با نمایندگان دولتها، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و سازمانهای شناخته شده مدافع حقوق بشر در سطح جهان، مطالبه حمایت از مبارزات مردم و آزادی زندانیان سیاسی را مطرح کند.

ما از شما مردم آزادخواه و مدافع آزادی زندانیان سیاسی در کشورهای مختلف دنیا دعوت میکنیم تا با تماس با سازمانها و اتحادیه های بشردوست و دولتهای محل اقامتتان، از آنها بخواهید تا با فشار بر رژیم اسلامی خواهان آزادی زندانیان سیاسی شوند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۵ ژوئن برابر با ۲۵ خرداد

"انتخابات پیش روست، ما را تبعید کردند تا آنچه را که باید نگوییم"

جز "افسار گسیختگی" بیشتر نتیجه ای عایدشان نشده!

از گزینه های عبث و باقی مانده شان گفتند که هزاران بار علیه افراد و گروه های مخالف خود به کار برده اند که از آن جمله ترور شخصیتی و حیثیتی و صدور و اجرای حکم شلاق و تبعید به شهرستان و در نهایت حذف فیزیکی بود که پاسخ های لازم را به آنها دادم و در اینجا نیز تاکید می کنم که با هیچ یک از این شیوه های منسوخ نمی توانم مرا از راه مبارزه با ظلم و تلاش برای احقاق حقوق انسان ها بازدارند! در هر زندانی، آزادم چرا که هرگز نمی توانم افکارم را به زنجیر کشند! و تکرار می کنم که تماشای این ترس و سردرگمی در برابر زنان و مردان فعال در عرصه های گوناگون سیاسی، مدنی و عقیدتی برایم خوشایند است چرا که نشان دهنده ضعف روزافزون مدعیان قدرت است!

حال در آستانه ای کمدی انتخاباتی دیگر شاهدیم که طبق معمول بازیگران و طنزپردازان ثابت این کمدی، با رنگها و اسمها و شعارهای گوناگون، اما با یک هدف که همان نجات و بقای حکومت جمهوری اسلامی است وارد میدان شده اند و سعی در فریب افکار عمومی دارند. اما بسیاری از مردم آگاهند که هر یک رای در صندوقها، چه پر و چه خالی، تنها به معنای آری به تکرار تاریخ و سیاست های غیر انسانی ۴۲ ساله حکومت است و دوره های ۴ ساله ریاست جمهوری و انتخابات، تنها نمایشی دروغین از حضور و نقش مردم در سیاست است! من و دوستانم را به نقاط مختلف ایران تبعید کردند که آنچه را که باید نگوییم. اما من در کنار مردم به این انتخابات نمایشی نه خواهم گف!

آتنا دائمی / خردادماه ۱۴۰۰ / زندان لاکان رشت.

از صفحه انقلاب زنانه



آتنا دائمی، زندانی سیاسی، در زندان لاکان رشت، در اعتراض به تبعید زندانیان زن از زندان های تهران به سایر شهرستان ها پیش از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، با نوشتن نامه ای واکنش نشان داده است. آتنا دائمی در تاریخ ۲۶ اسفندماه ۹۹ از زندان اوین به زندان لاکان رشت تبعید شد. وی از آذرماه ۹۵ تا پیش از تبعید، دوره محکومیت خود را در بند زنان زندان اوین و بدون یک روز مرخصی سپری کرده است. متن کامل نامه آتنا:

«سال ۹۹، پس از آنکه تعداد زیادی از دوستان و هم بندیانم را به زندان های دیگر ایران تبعید کردند، مرا نیز به تبعیدگاه لاکان رشت منتقل کردند تا از بودن زنان فعال و پیشرو در کنار یکدیگر آن هم پیش از انتخابات ۱۴۰۰ جلوگیری کنند، غافل از اینکه با این قبیل اعمال عجولانه و کورکورانه پیش از هر چیز برای هر یک از ما تجربه ای مفید خلق و ما را به اهدافمان نزدیکتر و در هر یک از شهرهای ایران تکثیرمان کردند!

طی سالیان گذشته من و خانواده ام شاهد بیشترین اعمال فشارها از سوی نهادهای امنیتی (وزارت اطلاعات و سپاه) بوده ایم، همانگونه که در دیماه ۹۸ وقتی حین تحصن اعتراضی به کشتار بی امان آبان آن سال به مقر سپاه در اوین منتقل شدم، عملشان اعتراف کردند که از سال ۹۳ تاکنون از هر راهی برای به قول خودشان "رام کردنم" استفاده کردند اما

اطلاعیه های حزب

در روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، سی خرداد برابر با بیست ژوئن، امسال با موضوع دادخواهی، صدای زندانیان سیاسی، خانواده هایشان و جنبش دادخواهی باشیم!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی برگزار می کند
 مراسم بزرگداشت روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی
دادخواهی

رها بحرینی | امجد حسین پناهی | رویا غیابانی | فرزاد صیفی کاران | منیره برادران
 Peter Tatcell | لادن بازرگان | امیر نیلو | شعله باکروان | شادی صدر
 ایرج مصداقی | شهناز مرتب | شیوا مجبویی | پریسا پوننده

یکشنبه ۳۰ خرداد ۲۰۲۱ / ۲۰ ژوئن ۲۰۲۱
 ساعت ۱۹:۳۰ ارویای مرکزی - ۲۲ تهران

کانالهای شرکت در برنامه
www.facebook.com/IranZendaniSiasi
www.youtube.com/user/CFPPI

در این برنامه پانهای خانواده های زندانیان سیاسی و جانبازان پخش میشود
 cfppiiran2006@gmail.com
 برای اطلاعات بیشتر 0031682198347 / 0044 7572356661

امسال در یازدهمین سال برگزاری روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی، در شرایطی به استقبال روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی میرویم که جمهوری اسلامی طی سال گذشته مانند همیشه از وحشت اعتراضات مردم و جهت حفظ پایه های لرنانش همچنان به سرکوب و شکنجه ادامه داده است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی امسال هم مانند سال گذشته مراسمی را روز یکشنبه ۲۰ ژوئن ۲۰۲۱ برابر با ۳۰ خرداد ۱۴۰۰ با موضوع دادخواهی از ساعت ۱۹:۳۰ به وقت اروپای مرکزی و ۲۲ به وقت تهران به مدت ۲ ساعت برگزار خواهد کرد. این مراسم به دلیل شرایط محدود اجتماعی آنلاین برگزار خواهد شد.

از شما دعوت میکنیم که از طریق آدرس هایی که ملاحظه میکنید در کنفرانس همراه ما باشید.

آزادی بیان، سرکوب، زندان، شکنجه، شلاق، وثیقه و اعدام، روز حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده های آنها و جنبش دادخواهیست.

Facebook.com/
IranZendaniSiasi
YouTube: <https://youtube.com/user/CFPPI>

دومین روز دور تازه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

این انتخابات ربطی به ما کارگران ندارد

مبارزه جمعی ماست". نظری دادستان فاسد شوش کماکان از اسدیگی ها حمایت میکنند. در ادامه کارگران با تاکید بر اینکه پیروزی کارگران هفت تپه ربطی به رئیسی و هیچ مقام دیگر ندارد و نتیجه مبارزات مستمر خود آنهاست میگویند: کمک کنید تا دسته جمعی نگذاریم از کارگران به عنوان ابزار تبلیغاتی انتخاباتی سوء استفاده شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ خرداد ۱۴۰۰، ۱۶ ژوئن ۲۰۲۱

حرف های ده نفر، به عنوان حرف پنج هزار کارگر قلمداد نمی شود. حتی اگر صد نفر از رئیسی و یا دویست نفر از همتی یا دیگر کاندیداها حمایت کنند به معنی اعلام حمایت کل کارگران هفت تپه نیست. بدینوسیله اعلام میکنیم که همانطور که بارها اعلام کرده ایم نه این انتخابات بلکه انتخابات های دیگر هم به کارگران ربط ندارد. از نظر ما روحانی و رئیسی یک راه هستند و فقط رنگ عمامه شان فرق دارد. هر دو عاشق خصوصی سازی هستند. خلع ید از بخش خصوصی تنها و تنها نتیجه مبارزات چند ساله کارگران هفت تپه بوده است. این مبارزات به جایی رسید که برخی مقامات رسمی، هفت تپه را پاشنه آشیل نظام معرفی کردند. ما رای خلع ید را به نظام تحمیل کردیم. این رای حاصل سال ها رنج و

از یکسو با فشار گذاشتن بر روی کارگران و از سوی دیگر با ایجاد تفرقه کارگران را از مبارزاتشان عقب زنند. نمونه ای جدید از این نوع تشبثات انتشار ویدئویی است از سوی ده نفر از کارگران هفت تپه که از رئیسی جلاد اعلام حمایت کرده اند. از جمله یکی از نفر از این افراد به اجرای حکم خلع ید بخش خصوصی اشاره کرده است. در این رابطه کارگران نیشکر هفت تپه با بیانیه ای تحت عنوان "حمایت کارگران هفت تپه از رئیسی کذب است"، موضوع را روشن کرده اند. در این بیانیه کارگران با اعلام اینکه ناآگاهی ده کارگر را به پای پنج هزار کارگر ننویسید، میگویند:

"در هر جامعه انسانی ده ها گرایش و تفکر وجود دارد و

روز ۲۵ خرداد کارگران نیشکر هفت تپه همانطور که اولتیماتوم داده بودند در اعتراض به قطع حقایق و خشکاندن مزارع برای دومین روز دست به اعتصاب زده و در محل کارخانه تجمع کردند. کارگران نیشکر هفت تپه فردا ۲۶ خرداد نیز تجمع خواهند داشت و اعلام کرده اند که تا وقتی مساله حقایق و دستمزد آنان پاسخ نگیرد به تجمعات خود ادامه خواهند داد. خشکی زمینهای کشاورزی نیشکر هفت تپه شغل و معیشت ۵ هزار کارگر این شرکت را به خطر انداخته است. در کنار قطع حقایق مزد کارگران نیز پرداخت نشده است و همانطور که قبلا نیز گزارش کردیم باند مافیایی اسدیگی و حکومتان که خود را در مقابل کارگران نیشکر هفت تپه شکست خورده می بینند تلاش دارند

اطلاعیه درباره همزمانی پیگیری های نمایندگان کارگری هفت تپه با زمان تبلیغات انتخابات و روشنگری درباره یک اتهام وارده به برخی از آنها

اخیرا اتهاماتی به برخی نمایندگان کارگری هفت تپه مطرح شده که گویا آنها آگاهانه در مسیر تبلیغات برخی کاندیداهای ریاست جمهوری و مشخصا ابراهیم رئیسی قرار گرفته اند. این اتهام واقعیت ندارد و لازم است درباره این اتهام ناصحیح، نکاتی را به اطلاع برسانیم.

یکم اینکه هرگونه مراجعه نمایندگان کارگری به مسئولین برای پیگیری مسائلی چون خلع ید، حق آبه، جلوگیری از غارت شرکت و امثالهم یکی از اقدامات معمول نمایندگان کارگری برای پیگیری مطالبات عمومی ما بوده و هست. نمایندگان ما به وزارت نیرو (بخشی از دولت روحانی)، نمایندگان مجلس و مجلس، قوه قضائیه مراجعه کرده و خواهند کرد. به عنوان مثال دیدار تنی چند از نمایندگان کارگری ما با قالیباف که سال قبل به منطقه ما آمده بود امری معمول بود و برای پیگیری مطالبات ما بود. اما اگر الان قالیباف کاندیدا بود برخی افراد باز هم نمایندگان ما را متهم میکردند که در مسیر تبلیغات این شخص هماهنگ شده اند؟ اگر وزیر کار کاندید شده بود باز هم نمایندگان ما که بارها به وزارت کار و ادارات مربوط به آن مراجعه کرده اند متهم میشدند؟ الان رئیسی کاندیدا شده است؛ این موضوع در اختیار ما نیست. مراجعه نمایندگان ما به رئیسی و سایر مقامات قضایی صرفا به عنوان امر روزمره پیگیری مطالبات نزد دستگاه های ذیربط است.

دوم؛ در مورد شخص ابراهیم رئیسی، بارها همکاران ما اعلام کرده اند که از نظر ما رئیسی و روحانی فرقی ندارند. مراجعه همکاران ما به ایشان صرفا به عنوان مراجعه به فردی است که در راس قوه قضائیه است. قبل از اینکه برخی کشف کنند که

ستاد تبلیغاتی رئیسی ممکن است از پیروزی کارگران هفت تپه بهره برداری تبلیغاتی کند ما سال قبل و در بهمن ماه صریحا اعلام کردیم "میدانید که جناح قالیباف-رئیس و سایر اصولگرایان قصد دارند چهره ای به اصطلاح رئوف و عدالت محور از خود نشان دهند که برای انتخابات ریاست جمهوری خودشان را بهتر و با "صلاحیت" تر از روحانی و سایر اصلاح طلبان نشان دهند در حالی که در ضد کارگری بودن یکی هستند."

اینکه ستاد رئیسی میخواهد از پیروزی کارگران هفت تپه در خلع ید به نفع خود بهره برداری کند به معنی این نیست که پیروزی ما مدیونیک مقام خاص حکومتی است. بارها اعلام کردیم که این پیروزی فقط محصول همت و اتحاد کارگران هفت تپه بوده است. اما ضمنا هم اعلام میکنیم که اجازه نمیدهیم از پیروزی ما بهره برداری سیاسی کنند.

ما صریحا روشنگری کردیم که چند ماه تاخیر در اعلام حکم خلع ید بخش خصوصی یعنی اینکه رئیسی میخواهد در آستانه انتخابات از این رای قضایی بهره برداری کند. ما همین حالا هم رئیسی و قوه قضائیه را مسئول بسیاری از مصیبت ها میدانیم که در همین دو ماه به ما تحمیل شده است.

سوم؛ دو تن از نمایندگان عزیز و تلاشگر ما، آقایان محمد خنیفر و مسلم چشمه خاور برای پیگیری های معمول برای حق آبه و مسائل دیگر منجمله تحویل و تحول برای حکم خلع ید به تهران رفتند و در چندین جلسه با انواع مقامات اعم از وزارت نیرو، نمایندگان مجلس و ... دیدار کردند. در یکی از این دیدارها دو نماینده مجلس یعنی نادری و موسوی همکاران ما را دعوت به حضور

در جلسه ای با موضوعیت پیگیری مسائل هفت تپه کردند که قرار بوده درباره نحوه حل مشکلات جاری شرکت بحث شود اما بدون اطلاع همکاران ما یک بنر تبلیغاتی رئیسی را در محل نصب میکنند. به همکاران ما گفته شده این جلسه واقعا برای پیگیری است و نه تبلیغ برای رئیسی و به زودی تمام میشود و همکاران ما در عمل انجام شده قرار گرفته و تمرکز را بر طرح مشکلات شرکت میگذارند و با این تصور که این جلسه به سرعت تمام میشود و به جلسات مهم دیگری برای پیگیری مطالبات خواهند رفت به مساله بنر تبلیغاتی واکنش نشان نداده اند. حتی به این دو نماینده ما گفته شده که برگزاری این جلسه پیگیری در اتاقی که بنر انتخاباتی هم نصب شده تصادفی بوده و صرفا به این علت بوده که این دو نماینده مجلس در این ساعت در این محل حضور داشته و وقت دیگری نداشته اند که به موضوع هفت تپه اختصاص دهند و بنابراین بهتر است فرصت از دست نرود و مطالبات به بحث گذاشته شود و بعد این دو نماینده کارگری وقت کنند تا در فرصت کوتاهی که در تهران هستند به سایر جلسات با مجلس و وزارت نیرو و ... بروند.

این سو استفاده دو نماینده مجلس طرفدار رئیسی نباید به پای نمایندگان تلاشگر ما نوشته شود. نمایندگانی که بعد از بازگشت به شوش مورد ضرب و شتم ارادل اسدیگی (با تحریک و تمویل مسعود کثیر) قرار میگیرند و اتفاقا همین دستگاه قضایی تحت ریاست رئیسی به جای بازداشت ضاربین خنیفر و چند همکار دیگر ما را بازداشت میکند. نه خنیفر، نه چشمه خاور و نه هیچ نماینده مستقل کارگری نه عضو هیچ ستاد انتخاباتی هستند و نه اصلا قرار دارند که قسمتی از

روند تبلیغاتی شخص خاصی باشند. همکاران ما چند سال است که در حال پیگیری مطالبات هستند و اینکه دو ماه از این چند سال مصادف با بازی انتخابات شده است نباید باعث شود که چشم برحقیقت بست و همکاران ما را متهم کرد.

چهارما؛ پیگیری مطالبات توسط نمایندگان کارگری در مراجع قانونی و رسمی فقط یکی از راه هایی بوده است که ما کارگران هفت تپه در این سال ها پی گرفته ایم. همه دنیا به چشم دیده است که ما در پایتخت اعتصاب جهان همیشه در حال مبارزه برای کسب مطالباتمان با قدرت و توانایی اتحاد و اعتصاب و تجمع خودمان بوده ایم. ما دو روش همزمان را پی گرفته ایم: ما اکثر اوقات در حال اعتراضیم و برخی روزها هم نمایندگان ما در حال مذاکره و پیگیری های قانونی. ما اعتصابات نود روزه و هفتاد روزه و ... داشته ایم. اتهام زندگان گویا حواسشان نیست که در این اعتصابات خنیفر ها و بخشی ها و عباسی ها و بهمنی ها و ... در میانه میدان اعتصاب بوده اند. اکثر همین عزیزان در جلسه مجلس هم شرکت کردند و از مطالبات ما هم دفاع کردند. به مراجع دیگر هم مراجعه میکنند و پیگیر مطالبات ما هستند.

پنجما از دلسوزانی که به قصد حمایت، مبارزات ما را پیگیری میکنند انتظار می رود قبل از صدور حکم، در مورد مسائل دقت به خرج دهند. ما ماه ها قبل اعلام کردیم که ممکن است قالیباف-رئیس بخواهند از پیروزی های ما بهره برداری سیاسی کنند (قبل از اینکه معلوم شود کدام یکی از این دو به طور قطعی در انتخابات شرکت خواهند کرد). پس کشف بزرگی نیست که فهمیده شود ستاد رئیسی میخواهد از مساله خلع ید که

در حقیقت نتیجه مبارزات ما است بهره برداری کند. هم شما و هم ما اعلام میکنیم که اجازه بهره برداری سیاسی از کارگران و مبارزات و پیروزی های آنها را به هیچ جناح سیاسی نمیدهیم.

تلاش برای سو استفاده انتخاباتی توسط دو نماینده مجلس از حضور دو نماینده مستقل کارگری هفت تپه که برای یک سلسله جلسات با انواع ادارات و مقامات از هر سه قوه در تهران حضور داشته اند، نه انتخاب این دو همکار ما بوده و نه مورد تایید آنها. این تلاش برای سو استفاده، در میان حجم زیادی از پیام های همکاران ما که مواضع روشنی درباره بی ربط بودن انتخابات به کارگران را اعلام میکند در حقیقت یک تلاش کور و بی ثمر بوده است. ما به اندازه کافی روشنگری میکنیم و اعلام میکنیم که هیچ کدام از کاندیداها ربطی به منافع کارگری ندارند. همزمان هم روشنگری میکنیم که نمایندگان ما صرفا برای پیگیری مطالبات به مقامات ذیربط مراجعه میکنند. برای آنها فرقی نداشت اگر به جای رئیسی، یک کاندیدای دیگر اکنون رئیس قوه قضائیه بود. یا فرقی نداشت اگر فلان شخص وزیر باشد یا همان شخص نماینده مجلس. اگر الان رئیسی به استان می آید و نماینده کارگری برای پیگیری یک مورد به او مراجعه میکند معنی اش همراهی آن نماینده کارگری با مساله تبلیغات انتخاباتی نیست؛ اگر در همین ایام وزیر نیرو هم به استان بیاید، یا هر مقام دیگری باز هم ممکن است نمایندگان کارگری برای پیگیری یک مطالبه خاص به او مراجعه کنند. ما ده ها مشکل داریم و مشکلات ما به انواع و اقسام مراجع قانونی در هر سه قوه مرتبط میشود.

تلخیصی از چند اطلاعیه حزب

کار یکسانی دارند و در یک محیط یکسان کار می‌کنند، تفاوت آشکاری در زمینه حقوق و دستمزد و مزایای مزدی وجود دارد. این تجمعات در شوشتر، مسجد سلیمان و اهواز برگزار شد. تجمع کنندگان بر روی بنرهای خود مطالباتشان را نوشته بودند.

روز دوشنبه ۲۴ خرداد ماه جمعی از معلمان خرید خدمتی سراسر کشور با رفتن به تهران و برگزاری تجمع خواستار پرداخت مطالبات معوقه و همچنین تبدیل وضعیت خود شدند.

معلمان خرید خدمتی از سال ۹۳ در مدارس نقاط محروم و دور افتاده بصورت پیمانی مشغول تدریس هستند. اکثر آنها بمدت یک سال است که حقوقی دریافت نکرده اند. خواست فوری آنها استخدام رسمی در آموزش و پرورش است.

روز ۲۴ خرداد کارکنان سپاهان دیزپچه اصفهان در ادامه اعتراضاتشان به عدم پرداخت کارانه بهره وری و خلف وعده های مسئولین مقابل فرمانداری مبارکه دست به تجمع زدند. تجمع قبلی آنها در روز ۲۳ خرداد بود و بنا برخبرها تعدادی از کارگران بخاطر شرکت در اعتراض مورد تهدید و بازجویی اطلاعات مبارزکه قرار گرفتند. اعتراض روز ۲۴ خرداد کارگران سپاهان در اعتراض به این تهدیدات و برای پیگیری خواسته هایشان برپا گردید.

روز یکشنبه ۲۳ خرداد مهران رؤف فعال کارگری برای بار دوم محاکمه شد. مهران رؤف روز قبل از آن بعد از حدود هشت ماه از بند امنیتی ۲ الف به قرنطینه بند ۱ زندان اوین منتقل گردید. مهران رؤف زندانی سیاسی دو تابعیتی است که در ۲۵ مهر ۹۹ بازداشت شده است.

ادامه در صفحه ۱۵

اهواز اعلام کرده و بر به مبارزه متحدانه کارگران در برابر این تعرضات با اتکاء به مجمع عمومی به عنوان مکانی برای تصمیم گیری جمعی و متحدانه و شورایی کارگران و به میدان آمدن دوباره خانواده ها که سنتی جا افتاده در این شرکت دارد تاکید میکنند.

تجمعات اعتراضی کارگران تهران جنوب، نیروهای شرکت مخابرات، خانواده های معدن فسفات و سه خبر دیگر

روز چهارشنبه ۲۶ خرداد کارگران شرکت تهران جنوب ماهشهر در اعتراض به اخراجها و به کارگیری مخفیانه نیروی جدید به جای آنان در شیفت شب برای سومین روز دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز ۲۵ خرداد جمعی از خانواده های کارگران معدن فسفات در پی تاخیر در واریز حقوق همسرانشان در حاشیه برگزاری جشن بصیرت واقع در سالن همایش های شهرک آهنشهر دست به تجمع اعتراضی زدند. به گفته یکی از خانواده های شرکت کننده در این تجمع صاحبان مفتخور معدن به بهانه فروش نرفتن خاک دو ماه است حقوقی پرداخت نکرده اند. بعلاوه اینکه حق اضافه کاری کارگران پرداخت نمی‌شود. و وقتی کارگران تجمع کردند دو نفر از آنها به حراست معدن فراخوانده شده اند.

روز ۲۵ خرداد نیروهای شرکتی مخابرات که بعضا بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند در اعتراض به مفاد قراردادهای و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در مقابل ادارات مخابرات دست به تجمع زدند. خواست فوری این کارگران استخدام رسمی در مخابرات و رفع تبعیض هاست. به گفته کارگران بین نیروهایی که

کارگران فولاد اهواز: اخراجها را در عمل محکوم میکنیم

در اعتراض به اخراج غریب حویزوی و حسین رضایی

روز شنبه ۲۲ خردادماه حکم اخراج غریب حویزوی و حسین رضایی از کارگران فولاد اهواز در جلسه اداره کار اهواز به آنان اعلام شد. غریب حویزوی و حسین رضایی هر دو از سال ۱۳۸۶ در این شرکت مشغول به کار هستند. براساس خبر منتشر شده از سوی گروه صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد پس از آنکه در روزهای گذشته تعدادی از پرسنل فولاد اهواز در اعتراض به اخراج دو همکار خود و تهدید دیگر کارگران به اخراج به دفتر مدیریت عامل شرکت

میروند، یوسفی مدیر عامل شرکت آنان را برای پیگیری این مساله به شمیلی معاونت نیروی انسانی شرکت ارجاع میدهد. اما قبل از هرگونه پیگیری ای از سوی شمیلی پیرو طرح شکایتی که از فروردین ماه توسط کارگران فولاد اهواز در در اداره کار ثبت شده بود، صبح ۲۲ خرداد جلسه ای در اداره کار با حضور "غریب حویزوی" و "حسین رضائی" تشکیل گردید و نماینده شرکت گروه ملی فولاد حکم اخراج این کارگران را به آنها رسماً ابلاغ میکند. این جلسه بیش از پیش همدستی مدیران فاسد فولاد اهواز و اداره کار و نهادهای امنیتی را به نمایش گذاشت. در این جلسه در برابر اعتراض غریب حویزوی و حسین رضایی به اخراج خود از کار، عوامل اداره کار تنها کاری که کردند مکلف کردن شرکت به پرداخت حقوق و مزایای پرداخت نشده این دو کارگر بود.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را مبارزات کارگران فولاد

البته آن چند فرد خاص نیست بلکه اکثر شما افراد دلسوزی هستند که دغدغه پیروزی کارگران هفت تپه و کل جنبش کارگری را دارید.

هفت-هفت؛ هفت تپه قدردان زحمات نمایندگان مستقل کارگری است. ما از تمام زحماتی که نمایندگان مستقل کارگری ما (چه اسماعیل بخشی عزیز چه محمد خنیفر عزیز، ابراهیم عباسی، یوسف بهمنی، مسلم چشمه خاور، امید آزادی، امیدوار، عادل سرخه، حسن کهنکی، عماد کثیر و ... چندین عزیز دیگر) در طی این سال ها کشیده اند قدردانی میکنیم و همینطور از همه عزیزانی که در خارج از هفت تپه برای بهره برداری های جریانی و گروهی خود، حامی مطالبات طبقاتی ما بوده اند هم اعلام تشکر میکنیم.

کارگران هفت تپه هنوز راه درازی در پیش دارند. ما صاحب تمام شکست ها و پیروزی های خود هستیم و مسئولیت هیچ کدام را بر گردن کسی نخواهیم گذاشت. حمایت سازنده و نقد سازنده و آگاهانه و نه اتهام زنی های بی اساس، کمک کننده است و ما از هرگونه نقد سازنده استقبال میکنیم اما همزمان از دلسوزان مبارزات کارگری میخواهیم که با یک مورد تمامیت یک حرکت که چند سال است با سختی های بسیار به پیش رفته را قضاوت نکنند و چند تن از بهترین عزیزان زحمتکش و درد کشیده ما را مورد اتهام قرار ندهند؛ یک مورد که اتفاقاً انتخاب نمایندگان ما نبوده است و توسط دیگران به دو همکار ما تحمیل شده است. موردی که باید توسط همه ما و همصدامحکوم شود زیرا تلاش برای سو استفاده و فریبکاری دو مقام مجلسی از حضور

نمایندگان کارگری ما برای امر روزمره پیگیری مطالبات کارگری هفت تپه بوده است. جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه

مراجعه نمایندگان کارگری به مقامات قبل از انتخابات و بعد از انتخابات صرفاً در چارچوب وظایف نمایندگی کارگری بوده و خواهد بود. تلاش های این عزیزان در زمان انتخابات متوقف نمیشود. ما خودمان را با انتخابات آنها تنظیم نمیکنیم بلکه برای پیگیری مطالبات مان در تمام دوازده ماه سال کوشش میکنیم.

البته قطعاً اگر هر کدام از این عزیزان آگاهانه و حتی با نیت خوب و برای پیگیری مطالبات ما به ابزاری برای بهره برداری سیاسی بدلشود ما به طور صریح با این مساله مقابله خواهیم کرد. زیرا باور داریم تنها راه کسب مطالبات اقتصادی-اجتماعی-سیاسی ما اتحادطبقاتی کارگری و توهم نداشتن به هیچ یک از جناح های قدرت سرمایه داری است.

ششم؛ برخی از به ظاهر منتقدان و چند فرد خاص (که مجموعاً پنج نفره هم نیستند) و با ظاهر دلسوزانه دست به تخریب فعالان مستقل هفت تپه و اقدامات کارگران هفت تپه میزنند، متحدان و دوستانشان در هفت تپه اشخاصی هستند که همدست اسدیگی هستند، عملاً مامور دستگاه امنیتی در شوش و هفت تپه هستند و ضمناً نام فعال کارگری را یک میکشند(همه این مامور ها را میشناسند و برایکسانی که با آنها دوستی میکنند هیچ توجیهی وجود ندارد که بخواهند بگویند بی خبر بودیم و در رابطه بودیم). این به ظاهر منتقدان با این دسته افراد (کارگزاران مشهور امنیتی) دوستی دارند و از حمایت صریح این کارگزاران از این یا آن مقام مملکتی و یا فلان کاندیدای سپاهی چشم پوشی میکنند اما نمایندگان دلسوز و مستقل کارگری را بابت چیزی که انتخاب خودشان نبوده مورد تخریب قرار میدهند. برای ما این ماجرا هم یک آزمون دیگر بود برای شناختن دوست از دشمن. مخاطب این اطلاعیه

۲۳ خرداد ۱۴۰۰

ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۱۴

فریاد اعتراض کشاورزان خوزستان بلند است

این روزها کم آبی در استان خوزستان که یک سوم آب های جاری را در خود دارد، به یک بحران وسیع معیشتی تبدیل شده است. بحرانی که نه به دلیل پایین بودن میزان بارندگی ها بلکه در نتیجه سیاست های سودجویانه و غیرعملی حاکم از جمله ایجاد دهها سد و سازه آبی در مسیر رودخانه های خوزستان و انتقال آب آنها به فلات مرکزی برای مصرف شرکت های فولادی سپاه و سرمایه داران وابسته به حکومت بروز یافته است.

کم آبی ها، علاوه بر ایجاد مشکلات جدی در بخش مصارف خانگی و آب شرب مردم، در بخش کشاورزی و روستایی هم معیشت و حیات مردم را به خطر انداخته است. این بحران کشاورزان و دامداران را به تنگ آورده و در روزهای گذشته موجب برپایی اعتراضات گسترده ای در میان آنها شده است. اخباری از این اعتراضات را

در زیر میخوانید:

- پنجشنبه ۲۰ خردادماه کشاورزان منطقه شاورور برای دومین روز، در اعتراض به ممنوعیت کشت تابستانه و قطع آب «نهر طریفی» تجمع کردند. اهالی ۴ روستایی که آب خود را از «نهر طریفی» شاورور تامین می کنند و هیچ راه معاش دیگری جز کشاورزی ندارند به این تصمیم سازمان آب و برق استان خوزستان معترض هستند.

- شنبه ۲۲ خرداد- کشاورزان مناطق مختلف خوزستان با تجمع مقابل استانداری این استان، در اعتراض به منع کشت تابستانه و محرومیت از مصرف آب کشاورزی، دست به اعتراض زدند. در ویدیوهای منتشر شده از این تجمع کشاورزان می گویند نبود آب برای کشاورزی و ممنوعیت کشت تابستانی باعث فقر و محرومیت بیشتر و نابودی آنها شده است. به گفته آنها نرسیدن آب به زمین های کشاورزی نتیجه ساخت سدهای متعدد برای پروژه های متعلق به چپاولگران و غارتگران است.

بنا بر خبرها در همین روز ماموران نیروی انتظامی با دهها ماشین به روستاهای منطقه شعبیه شوشتر هجوم برده تا پمپ های آب کشاورزان را پلمپ نمایند و مانع کشت تابستانی آنها شوند، اما با مقاومت مردم این روستاها که به غیر از کشت برنج و صیفی جات منبع درآمدی ندارند مواجه شدند. ماموران که در این برخوردها قصد بازداشت تعدادی از جوانان روستا را داشتند با ایستادگی اهالی به عقب رانده شده و مجبور به ترک منطقه شدند.

- یکشنبه ۲۳ خرداد - کشاورزان سبزیکار شهرهای اهواز و حمیدیه در اعتراض به منع کشت تابستانه و پلمپ موتورهای آب آنها توسط سازمان آب و برق و نیروی انتظامی که منجر به خشک شدن زمین و از بین رفتن محصول و دام هایشان شده است دست به اعتراض زدند.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری- واحد خوزستان

تجمع کارگران شرکت واحد،

مترو هشتگرد و یک خبر دیگر

- روز یکشنبه ۲۳ خرداد رانندگان و کارگران شرکت واحد در اعتراض به عدم اجرای بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل در مقابل شورای اسلامی شهر جمع کردند. اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بهبودی اندک در دریافتی های این کارگران میدهد و آنها خواستار بازنگری و اجرای دقیق آن هستند. اعتراض اصلی این کارگران به سطح نازل حقوقها و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خریدشان است.

- روز شنبه ۲۲ خرداد کارگران پیمانی مترو در شهر جدید هشتگرد بدلیل عدم پرداخت سه ماه حقوق و حق بیمه خود طی بنا به فراخوانی از قبل اعلام شده دست به تجمع زدند. این کارگران در رابطه با همین موضوعات بارها تجمع کرده و یک خواست فوری آنها دائمی شدن قراردادهای کاری شان است.

- روز ۵ خرداد محسن عمرانی عضو کانون صنفی

معلمان در استان با ابلاغیه ی کتبی به اداره ی اطلاعات نیروی انتظامی احضار و مورد بازجویی قرار گرفته است. پرونده ی امنیتی او به شعبه ی ۴ بازپرسی بوشهر ارجاع شده است. محسن عمرانی قبلا هم زندانی بوده و بارها به خاطر مبارزات و اعتراضاتش در دفاع از حقوق معلمان و حقوق کودک با خواستهایی چون تحصیل رایگان برای همه و معیشت، منزلت به عنوان حقوق پایه ای همه مردم احضار و زندانی شده است. یک کارزار مهم معلمان اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات، بسته شدن پرونده های امنیتی تمامی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی و آزادی فوری و بدون قید و شرط آنهاست. از این کارزار مهم مبارزاتی باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

27 خرداد ۱۴۰۰، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۱

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com